تاریخ فرنگ

از

جامع التواریخ

شامل:

تاریخ افرنج درمعرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن و در ولادت مسیح علیه السلام
وحکایت حادثهٔ او و ذکر پاپان و قیاصره که پادشاهان افرنج اند

تألیف

خواجه رشید الدین فضل الله وزیر همدانی

با مقدمه و حواشی و فهارس
بکوشش

محمد - دبیرسیاقی

تاریخ افرنج

یا

فصلی از

جامع التواریخ

شامل

باب سوم از قسم دوم از تاریخ افرنج درمعرفت ولایت افرنج وبحار وجزایر آن

وباب چهارم درولادت مسیح علیه‌السلام و حکایت حادثهٔ او

وذکر پاپان وقیاصره که پادشاهان افرنج‌اند

تألیف

خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر همدانی

با مقدمه و حواشی و فهارس

بکوشش

محمد - دبیرسیاقی

ازاین کتاب یکهزار نسخه در چاپخانهٔ کیهان
بسرمایهٔ کتابفروشی فروغی بچاپ رسیده است
تهران
خرداد ماه ۱۳۳۹ خورشیدی - ۱۹۶۰ میلادی

پیشگفتار

همچنانکه درمقدمهٔ فصل غزنویان وسامانیان و آل‌بویه از کتاب جامع‌التواریخ که چندی پیش چاپ و نشرشد و عده دادیم ، بطبع فصل تاریخ افرنج آن کتاب که خاورشناس نامی کارل‌یان بسال ۱۹۵۱ میلادی در لیدن طبع کرده بود بمنظور استفادت خواستاران تاریخ و ادب ایران مبادرت ورزیدیم و با همان روش خاص که نگارنده راست آنرا بافهارس‌وحواشی‌چاپ کردیم وبهره‌مندی بیشتررادوست‌دانشمند ونجیب ومتواضع آقای دکتر منوچهر امیر مکری مقدمهٔ طابع را از زبان فرانسه بفارسی گردانیدندهمچنانکه‌نسبت‌بمقدمهٔ‌آلمانی کتاب‌لغت‌فرس‌اسدی‌چاپ‌پاول‌هرن ومقدمهٔ زراتشت نامهٔ بهرام پژدو چاپ رزنبرگ همین‌رنج را کریمانه برخود هموار ساختند و دوستداران ادب و شعر و لغت فارسی را از فضل بسیار و اطلاعات با ارج خود نصیب دادند .

دربارهٔ کتاب جامع التواریخ و مؤلف نامبردار آن خواجهٔ فاضل رشید الدین فضل‌الله‌بن ابی‌الخیر وزیرهمدانی درمقدمهٔ فصل غزنویان مذکور در فوق و هم در آغاز فصل تاریخ اسماعیلیه (مصحح نگارنده چاپ سال ۱۳۳۷ هجری) آنچه لازم می‌نمود گفته‌ایم واینجا تکرار آن زاید می‌نماید بخصوص که برخی ازآن مطالب را باشرح وبسط ممتع‌تر درترجمهٔ مقدمهٔ کارل‌یان بفارسی‌ملاحظه خواهید فرمود ، اینجانکته‌ایکه درخورذکرست‌آنکه‌کارل یان متن‌حاضررابا‌توجه بدونسخه‌ازتاریخ افرنج وپس‌ازمقابله بانسختی‌ازتاریخ‌بناکتی‌ونسخهٔ‌تاریخ‌ماریتنوس‌اوپاونیسس‌ترتیب داده است و اختلاف نسخ فوق را باعلائم اختصاری خاص درحاشیه قید کرده ، اما درچاپ حاضر ماتبعیت ازعلائم قراردادی وی واشارت بنسخه بدلها باهمان علائم را

ضرور ندیدیم و بتمامی آن علائم نشانی اختصاری «نچ» یعنی نسخه بدل چاپ لیدن دادیم و گاهگاه نیز که ضبط حاشیه را برمتن مرجح شناختیم ومطالب متن وحاشیه را جابجا کردیم ضبط متن کارل یان را باعلامت اختصاری «چ» نمودیم تاصورت اصلی چاپ کارل‌یان چه ازنظر حاشیه وچه ازلحاظ متن درچاپ حاضر کلاً برجای ماند.

نکتهٔ دیگر که ذکر آن ضرور می‌نماید آنست که طابع لیدن بترجمهٔ فرانسهٔ متن کتاب حواشی و تعلیقاتی کوتاه اما سودمند افزوده‌است و ما بمنظور بهره‌مندی خوانندگان وحفظ حدود کار آن مصحح فاضل ترجمهٔ آن حواشی مفیدرا پس ازتطبیق باصفحات چاپ حاضر درپایان افزوده‌ایم ، امید که این خدمت ناچیز در پیشگاه اهل فضل و دانش بچیزی شمرده شود . اینك ترجمهٔ مقدمهٔ کارل‌یان برچاپ لیدن .

تهران ـ تجریش ـ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ خورشیدی

محمد دبیرسیاقی

مدخل

درهیچ یك از ادوار تاریخی گذشته ، حتی دردوران امپراطوری روم ، شرایط واوضاع برای تألیف وتصنیف کتب دربارهٔ تاریخ عالم مانندنخستین قرن بعدازتأسیس امپراطوری اوراسیائی [1] مغول بدست چنگیزخان مساعد نبوده و درهیچ کدام از ممالك این امپراطوری عظیم این کار بقدر ایران امکان موفقیت نداشته است .

فتوحات مغول بااینکه باعث تلفات جانی عظیم ونابودی بسیاراز آثار گرانبهای فرهنگی گردید نتایج مثبتی نیز دربرداشت ویکی ازمثبت‌ترین وسودمندترین نتایج آن این بود که افق دیدبشر تانقطه‌ای که تاآن‌زمان بی‌سابقه وبیمانندبودوسعت یافت.

بر اثر این فتوحات پردهٔ اسراری که در گذشته ممالك آسیای مرکزی و آسیای شرقی را پوشانیده بود برداشته شد و بین این ممالك و ممالك آسیای غربی واروپا روابط و تماسهای نزدیك و دامنه داری بر قرار گردید و بدینسان وجود قارهٔ اوراسیا باکلیهٔ تنوع و تفاوتهای فراوانی که بین ممالك آن وجود داشت برای نخستین بار بصورت حقیقتی آشکار دربرابر نوع بشر نمایان گردید .

ایران و چین دو تکیه گاه حقیقی امپراطوری مغول را تشکیل میداد ولی ایران بعلت موقعیت جغرافیائی مرکزی خاص خود بمراتب بیش از چین چهارراه منافع سیاسی واقتصادی و فرهنگی گردید وایفای نقش بسیارمهمی را بعنوان واسطه بین شرق وغرب بعهده گرفت .

۱ــ فرانسه Eurasie (آلمانی Eurasien) در اصطلاح جغرافیا نام دو قارهٔ اروپا و آسیا می‌باشد وقتی که این دورا بعنوان یك واحد جغرافیائی درنظر گیرند ودرفارسی می‌توان آنرا بقیاس اوراسیا گفت .

پس باتوجه باین مقدمه عجب نیست که بخصوص دراین سرزمین در آغاز قرن ۱٤ میلادی برای نخستین بار اولین مجاهدت را برای تصنیف کتبی در بارهٔ تاریخ عالم بعمل آوردند .

در اینجا باید در حقیقت از یگانه کوشش دراین راه ، یعنی از کار بزرگ رشیدالدین سخن گفت زیرا کتاب بناکتی[1] که چندی بعد بتقلید ازرشیدالدین تألیف شده درحقیقت اقتباسی است باتغییراتی مختصر ازهمان اثر عظیم و بی همتا!

رشیدالدین فضل الله بن ابی الخیر متوفی بسال ۷۱٤ هجری (۱۳۱۸ میلادی) سیاستمدار ومورخ بزرگ ایران درعصر مغول نخستین مجلد تاریخ عظیم خود موسوم به جامع التواریخ را دردست اتمام داشت که غازان خان بنیان گذار این تصنیف ناگهان درعنفوان جوانی در گذشت . ایلخان مغول غازان خان (٦۹٤-۷۰۳ هجری ۱۲۹۵-۱۳۰٤ میلادی) که علاوه برشهرتش درمملکتداری وسالاری سپاه بخصوص از

۱- برون - تاریخ ادبی ایران ج ۳- کامبریج ۱۹۲٤ ص ۱۰۱ ومابعد - بارتولد- ترکستان تا حملهٔ مغول (انتشارات گیب ۱۹۲۸) ص ٤۹ ونیز مقالهٔ وی دربارهٔ بناکتی در دایرةالمعارف اسلام . بارتولد درهردوجا تصریح میکند که کتاب روضة الالباب فی تاریخ الاکابر والانساب که معروف بتاریخ بناکتی می باشد اگر ازبرخی تغییرات مختصر چشم بپوشیم درحقیقت رونوشتی است از تاریخ عالم رشیدالدین - اینجانب نیز پس از مقایسهٔ قسمت مربوط بتاریخ افرنج دراین دو کتاب ناگزیر تصدیق میکنم که در کتاب بناکتی چیز دیگری جز مطالب کتاب رشیدالدین وجود ندارد منتهی آنرا بطرز دیگری ترتیب و کمی تغییر داده اند آنچه که براستی تازگی دارد فقط ترتیب پاپها وامپراطوران است اما شرح وقایع کاملا مطابق باکتاب رشیدالدین میباشد. گواه دیگری برصحت گفتهٔ ما اینکه هردو کتاب با ذکر فرمانروائی پاپ بنطکطوس (بنوای یازدهم ۱۳۰۳- ۱۳۰٤) وقیصر ادالبرطوس (آلبرت اول ۱۲۹۸ - ۱۳۰۸) پایان می یابد ولی بناکتی درکتاب خود برای اینکه چنین وانمود کند که اخبار عصر خود را نیز نقل کرده است مدعی شده که این دو تن در زمان تألیف کتاب او (۷۱۷ هـ. مطابق ۱۳۱۷ م) هنوز فرمانروائی داشته اند . رجوع کنید بمطالبی که D'ohsson از بناکتی درص ۲٦۲ ومابعد کتاب خود موسوم به Des peuples du Caucase, Paris 1828 آورده است .

حیث علاقه بآبادانی واصلاحات درمیان سلاطین‌مغول ایران بنامست صدراعظم‌خود رشیدالدین‌رامأمور ومسئول نوشتن تاریخ مفصل ومشروحی دربارۀ ترکان ومغولان ساخته بود و شخصاً با علاقۀ فراوانی که بتاریخ داشت و با معلومات تاریخی وسیع و تجربیات خویش بزرگترین محرك ومشوق وزیر خود در انجام این مهم گردید. منابع معتبر ونادری که در اختیار دولت امپراطوری مغول بودوازآنجمله دستگاه ضبط ملی مغولان که مهمترین‌آنها التان دتبر (یعنی تاریخ رسمی مغول) بوده است همراه باروایات شفاهی فراوان‌مشروحی که‌قسمت اعظم‌آنراشخص غازان‌خان وامیر پولاد جنگ سانگ نمایندۀ خان اعظم در دربار تبریز برای رشید الـدین دانشمند ایرانی نقل میکردند ویرا موفق بتألیف کتابی ساخت متکی بر اسناد معتبر و در نوع خود بی‌نظیر. هنگامیکه رشید الدین کمی بعداز مرگ غازان خان(۱۳۰٤م) کتاب تاریخ ترکان و مغولان را بپایان رسانید بفرمان الجایتو (۷۰۳–۷۱٦هجری ۱۳۰۵–۱۳۱٦ م میلادی) برادروجانشین‌غازان وبرای قدردانی ازسهمی که غازان‌خان درتألیف این کتاب داشته است بدان تاریخ غازانی نام نهادند.

در همان زمان الجایتوخان رشیدالدین را مأموریت علمی جدیدی داد که از مأموریت قبلی اوآسان تر نبود بدینمعنی که ویرا بتألیف تاریخ کلیۀ اقوام و مللی برگماشت که‌مغولان درطی لشکرکشیهای خود با آنان سروکار داشته‌اند. خلاصه رشیدالدین بفرمان خان مغول مأمور تألیف تاریخ عالم گردید.[۱]

۱– رك: مقدمۀ کاترمر Quatremère برچاپ پاریس رشیدالدین زیرعنوان تاریخ مغولان ایران Histoire des Mongoles de la Perse ج ۱ - ۱۸۳٦ - بلوشه Blochet مقدمۀ تاریخ مغول رشیدالدین فضل‌الله چاپ لیدن ـلندن ۱۹۱۰ - برون، تاریخ ادبی ایران، ج ۳ ص ٦۸ ومابعد بخصوص ص ۷۲ ومابعد ـ بارتولد، ترکستان ص ٤٤ ومابعد ـ همین نویسنده در Mir Islama I (۱۹۱۲) ص ۵٦ و مابعد، برتلس Berthels در دایرةالمعارف اسلام در بارۀ چاپهای مختلفی که تاکنون از کتب رشیدالدین انتشار یافته‌است ونیز رجوع کنید بمطالبی که من (یعنی‌کارل‌یان) درمقدمۀ خود برکتاب‌تاریخ غازان‌خان(گیب۱۹٤۰) وتاریخ ایلخانان ازاباقا تاگیخاتو (پراگ ۱۹٤۱) نوشته‌ام.

این اثر که مجلد دوم جامع‌التواریخ را تشکیل میدهد ودرحدود سال ۷۱۰ هجری (۱۳۱۱-۱۳۱۰ میلادی [۱]) تألیف آن بپایان رسید یکی ازآخرین شاهکارهای تاریخ نویسی اسلامی بخصوص ایرانی درپایان قرون وسطی میباشد - ازاین گذشته می‌بایست برای این کتاب درنوع خودبین کلیهٔ کتب تاریخی بطوراعم اهمیت‌خاصی قایل بود و هر چند تا کنون خاورشناسان بحد کافی باهمیت آن پی برده اند [۲] ولی دیگر دانشمندان را چنانکه باید وشاید ازآن اطلاعی نیست و نیز باید درنظر داشت که این تألیف اولین کتابی‌است دربارهٔ تاریخ عالم که ما ازوجود آن‌اطلاع‌داریم که درآن برای نخستین بار با شیوه‌ای صحیح و متین تاریخ کلیهٔ ملل بزرگ قارهٔ اوراسیا از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس تدوین‌و گردآوری شده است .

تاریخ عالم رشیدالدین بدوبخش بزرگ تقسیم میشود که مشتمل برچهارفصل است: بخش اول گذشته از دیباچه‌ای در شرح حال حضرت‌آدم و انبیاء بنی‌اسرائیل درتاریخ پادشاهان ایران قبل از اسلام می باشد و بخش دوم مشتمل است بر تاریخ حضرت محمد ص‌واحوال خلفای اسلامی‌تاانقراض آنها بدست مغولان (۶۵۶هجری ۱۲۹۸ میلادی) وسپس تاریخ سلسله‌های ایرانی بعداز اسلام‌وتاریخ غزان(اغوزها) وابناءآنان وتاریخ اتراك وچین‌ویهود و فرنگ وهند .

بنابراین دربخش دوم این مجلد است که رشیدالدین گام بزرگی‌درفن‌تاریخ نویسی برداشته و نخستین مورخ در محیط کم و بیش محدود خود بوده است که بنوشتن تاریخ عالم پرداخته است .

دراینجا یعنی در کتاب حاضر بمعرفی‌قسمت مربوط بتاریخ مغرب زمین‌تحت

۱- رك : استوری - ادبیات ایران C. A. Storey, Persian Literature, London 1935. II, I, 72

۲- رك : کاترمر همان کتاب قبلی بخصوص ص LXXIV و بارتلد ترکستان ص ۴۶ و برون تاریخ ادبیات ج ۳ ص ۷۵-۷۴ .

عنوان « تاریخ افرنج وذکر پاپان وقیاصره که پادشاهان افرنج اند» مبادرت میگردد[1]
این بخش مشتمل است بردوقسم که هریك داری چهار باب می باشد .
عنوان قسم اول « ازحضرت آدم تا ولادت مسیح علیه السلام » و بابهای آن بقرار ذیل است :
باب اول درتعداد سلسلههای سلاطین کلیهٔ اقوام وملل .
باب دوم اندر آفرینش آدم وفرزندانش وطول عمر هریك ازآنان .
باب سوم در احوال نوح وفرزندانش ومدت زندگانی هریك .
باب چهارم ازولادت حضرت ابراهیم وزندگانی اعقابش تا Joachim ودختر او مریم مادر عیسی مسیح .
موضوع قسم دوم بیان تاریخ فرنگ از ولادت مسیح تا زمان مؤلف یعنی سال ۷۰۵ هجری است که بابهای آن بدینقرار ست :
باب اول ـ درایمان اقوام عیسوی بحضرت مسیح .
باب دوم ـ درثغور ولایت ارمنستان وبلاد واماکن آن .
باب سوم درمعرفت ولایت افرنج وبحار وجزایر آن .
باب چهارم در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثهٔ او و ذکر پاپان و قیاصره که پادشاهان افرنج اند .
از آنجا که دراین قسم از تاریخ افرنج فقط باب سوم و چهارم دارای مناظر جدید و تازهای می باشد و دوباب قبل از آن جز تکرار نظرات مذهبی و تاریخی معروف مطلب دیگری دربرندارد لذا فقط بچاپ باب سوم و چهارم ازقسم دوم تاریخ افرنج بسنده کردیم . و اما باب مربوط بارمنستان که گویا درحدود کتاب حاضر

۱ـ تاریخ چین رشیدالدین توسط پرفسور کاهله Kahle در اکسفورد برای چاپ در ردیف سلسله انتشارات آکادمی علوم برلین آماده گردیده است و با اینکار مرا از انجام آن بی‌نیاز فرموده اند وفقط چاپ تاریخ هند باقی می‌ماند که در دست تصحیح می باشد .

جای نامناسبی قرار دارد درفرصت دیگر وجای دیگر انتشار خواهد یافت .

همچنانکه از عنوان باب سوم معلوم است موضوع آن نظری است به وضع جغرافیائی وسیاسی ممالك مغرب زمین و چگونگی وخصوصیات آنها ، بدینسان که پس ازشرحی دربارهٔ اصل ودارالملك ولایت افرنج (رومیهٔ عظمی) به نوعی توصیف از اروپا پرداخته‌اند ، باین ترتیب که این توصیف را از منتهای شبه جزیرهٔ ایبری آغازوپس ازبیان‌اجمالی‌تعداد کثیری ازممالك ودول مغرب‌زمین بمنتهای شبه‌جزیرهٔ اپنین‌یعنی سیسیل‌خاتمه‌داده‌اند . نروژ وقطب شمال بعنوان اقصی نقاط شمالی‌فرنگ ذکرشده‌اند وازروسها وترکان وصقالبه ویونانیان بعنوان ساکنان ثغورشمالی‌وشرقی نام برده‌اند. شرقی‌ترین‌ممالك‌ولایت افرنج دراین کتاب بوهم ولهستان و مجارستان هستند.خلاصه دراین کتاب بطور کلی ولایت افرنج مشتمل است برممالك مسیحی مغرب زمین که کم وبیش ازلحاظ سیاسی‌ویامذهبی‌در امپراطوری مقدس روم مجتمع ومتحد بودند و جامع کتاب با استفاده ازیك نقشهٔ جغرافیائی‌اروپائی به‌بیان وشرح آنها پرداخته است . اما دربارهٔ مطالب و ملاحظاتی که دربارهٔ ممالك مختلف در این کتاب تاریخ فرنگ بیان شده باید گفت که باوجودسادگی آنها ازلحاظ منظر وطرز بیان‌حاکی‌ازتجربه وهوشمندی ورای روشن وصائب‌دهندهٔ این‌اطلاعات می‌باشد[1] . وهمین موضوع‌بمطالب کتاب اهمیت وارزش خاصی می‌بخشد وبنابراین جای تعجب نیست که همین امر بارها علمای اروپائی را بنقل جزئیات آن برانگیخته است [۲] .

بدیهی است کسی که راوی این اخبار و مطالب برای رشید الدین بوده است

۱ــ این مطلب را نه‌فقط از ذکر mappa mundi نقشهٔ عالم (درمتن ص۱۱ بصورت باب مندو تحریف شده است) میتوان دریافت بلکه چگونگی نقل اسامی ممالك واعلام بخط فارسی نیز آنرا نشان میدهد .

۲ــ مثلا مقایسه شود با تاریخ عمومی نصیرالدین‌البیضاوی موسوم به‌نظام‌التواریخ (۱۲۷۵ میلادی ۶۷۴ هجری) که درآن هیچگونه اطلاعی‌خارج ازتاریخ واقوام اسلامی موجود نیست . رك : برون همان کتاب ص ۱۰۰ و ۱۰۱ .

نتوانسته است باوجود این ازآوردن روایات عامیانه درضمن گفته های خود صرفنظر کند و برخی ازداستنها و روایات عجیب وعامیانه‌ای را که در آن زمان درافواه بسیار رایج بوده است نقل کرده است که بدانها درجای دیگر اشاره خواهد شد .

باب چهارم مختص بیان احـوال پاپان و قیصران است . در این باب پس از مقدمهٔ کوتاهی در ولادت مسیح و ذکر حادثهٔ او به ترتیب زمان ، احوال و اسامی پاپان و قیاصره فهرست وار بیان شده و فهرست پاپان بامسیح آغاز و بـه پاپ بنوای یازدهم (۱۳۰۴ـ۱۳۰۳ م.) ختم میگردد و از آن قیصران با اوگوست شروع و به آلبرت اول (۱۳۰۸ـ۱۳۹۸ م.) خاتمه می‌یابد ودرمورد هریك مدت پاپی وقیصری آنان بسال وماه و روز ذکر گردیده است . گاهی بخصوص درمورد پاپان مطالبی که بیان شده بسیار مختصر و محدود است و گاهی هم برسم وقایع نگاران قرون وسطای اروپا بشرح جزئیاتی مبادرت گردیده است که برخی از آنها ازلحاظ تاریخی دارای اهمیت بسیار است در حالیکه بعضی دیگر ذکر وقایـع عجیبه و یا داستان وافسانه میباشد . حتی‌درایمورد هم سخن رشیدالدین چنان‌موجز ومختصر ومقطع است که بـدون مدد ازمنابع اروپائی مربوط بدان فهم بسیاری از آن دشوار بل محال میباشد .

با اینکه‌تاریخ‌فرنگ رشیدالدین‌ازحیث‌مطالب‌جالب بسیارغنی‌میباشدباید‌بطور کلی اذعان کرد که از آن‌ازنظر تاریخی بندرت‌مطلب تازه وبامجهولی که برای‌تحقیق درتاریخ قرون وسطای اروپامفیدباشد بدست‌میآید، معذلك این کتاب درنظر محققین بخوبی افکاروتصوراتی را که مسلمانان متمدن قرن چهاردهم میلادی (هشتم‌هجری) دربارهٔ جهان داشتند نمایان میکند واین تصویر باوضوح کامل نشان میدهد که در مقام‌مقایسه، منظر مسلمانان آن‌عصر درجغرافیا وتاریخ‌بمراتب‌ازنظر اروپائیان فراختر و گشاده‌تر بوده است .

مأموریت علمی رشیدالدین فضل‌الله امری کاملا تازه و بی‌سابقه بود زیرا که مقصود از آن گردآوری تاریخ عالم که تا آنزمان در عالم اسلام محدود بنگاشتن تاریخ ملل‌اسلامی بود نبود بلکه غرض تدوین تاریخی بود که شامل سه‌ملت بزرگ قارهٔ اوراسیاهم که هر کدام تمدن خاصی داشتند باشد.

هرچند در طی قرون گذشته عالم اسلام برخصوصیات بسیاری ازاین ملل در موضوعات‌فرهنگی وتاریخی وجغرافیائی اطلاع‌یافته‌بود اماتاآن زمان هرگز کسی بتدوین‌تاریخ آنها باشیوه‌ای صحیح نپرداخته بود. وباین‌جهت‌نقشه ونیت‌رشیدالدین مبنی براستفاده از منابع اصلی تاریخ ممالك مورد بحث و مشاوره و همکاری با دانشمندان مطلع‌بموضوع نه فقط شاهد مؤثری ازروح پیشرو ومترقی زمان او بود بلکه مبین مسئله‌ای لازم و ضروری نیز بود. از حسن اتفاق مؤلف، علاوه برمقامی که در تاریخ نویسی داشت دارای مرتبتی بلند دردستگاه دولتی زمان خود نیز بود و با نفوذ و اقتداری که داشت قدرت دست یافتن بهرمنبع لازم برای انجام کار خودرا نیز داشت وبدینسان طرح ونقشهٔ او بنحوی که برای‌آن عصر تقریباً کمال مطلوب بود تحقق پذیرفت.

رشیدالدین در مقدمهٔ جامع‌التواریخ بعلمای بیگانه‌ای که درطرح قسمتهای مختلف تاریخ عمومی با او همکاری داشته اند اشاره میفرماید از آنجمله در مورد تاریخ‌چین ازلیتاچی ومکسون(؟) ودر تاریخ هند از زاهد کشمیری Kamalachri [1] نام می‌برد ولی در مورد تاریخ فرنگ هیچگونه اشاره‌ای دراین باره نکرده است و هرچند این امر در نظر اول عجیب می‌نماید ولی باتوجه باینکه اسامی فوق دربارهٔ

۱ - رك: کاترمر در همان کتاب ص LXXVIII و مجموعهٔ علمی Collections scientifiques ج ۳ ص۱۰۶-بلوشه درکتاب مذکور درسابق ص۹۸ ونیز مقاله‌ای دربارهٔ منابع تاریخ چین رشید الدین (بزودی بقلم فرانکه M. H. Franke در مجلهٔ Orins انتشار خواهد یافت).

موضوع اساسی یعنی منابع کتاب هیچگونه اطلاعی بدست نمیدهد و این اشخاص غالباً واسطه وناقل اخبارهستند.بی‌اطلاعی ازنام‌برخی از آنان برای‌ما نسبتاً بی‌اهمیت میباشد و اما خوشبختانه با وجود سکوت رشید الـدین از تاریخ فرنگ میتوان اطلاعات جالبی دربارهٔ محیط اجتماعی که همکاران اروپائی رشیدالدین بدان تعلق داشته‌اند بدست آورد .

بارتولدازچگونگی‌رابطهٔ بین‌پاپ وقیصر که‌درباب‌سوم کتاب‌ذکر گردیده‌است وطبق‌آن پاپ ازحیث مقام ازقیصر برتردانسته‌شده چنین حدس زده‌است که‌همکاران اروپائی رشیدالدین را در تألیف تاریخ فرنگ باید بین کشیشان و طبقهٔ روحانیان عیسوی جستجو کرد ولی‌بعقیدهٔ من باید این‌نظر را لااقل تاحدی که مربوط به باب سوم است کمی اصلاح کرد .

در اروپای عیسوی قرن سیزدهم میلادی دو فرقهٔ بزرگ موسوم به گلفها و ژیبلن‌ها وجود داشتند که یکی طرفدار پاپان ودیگری طرفدار قیصران بودند .[1]

ودر زمان مغول این اختلاف ودودستگی درسیاست‌خارجی اروپا چنین‌نمایان بود که پاپان و طرفدارانشان با دربار تبریز همکاری داشتند[2] در حالیکه قیصران

۱- Guelfes و Gibelins - گلفها که به آلمانی Welfen نامیده میشوند در قرون وسطی ازقرن۱۲ تا۱۵ بخصوص درایتالیاطرفداران پاپان وآزادی‌وخودمختاری‌بلادایتالیا را می‌نامیدند،درحالیکه‌ژیبلن‌ها (این‌کلمه‌شایدازکلمهٔ آلمانی Waiblingen که نام‌یکی‌از بلادآلمان درایالت ورتمبرگ است ودرقرن یازدهم مرکزتیول‌واملاك خاندان قیصران اشتاوفن بوده آمده باشد) هوادار قیاصره خاندان اشتاوفن Staufen بودند ومنازعات خونین بین آنان قرنها ادامه داشت تا بالاخره بامداخلهٔفرانسه ولشکرکشی این‌دولت بسال ۱۴۹٤ بایتالیا خاتمه یافت . (مترجم) .

۲ - در بارهٔ نظر ایلخانان نسبت به دیانت مسیح و روابط آنان با مغرب زمین بخصوص با دربار نگاه کنید به پلیو P. Pelliot مقالهٔ مغولها و دولت پاپ

بقیه حاشیه درصفحهٔ بعد

متحدین خودرا از بین سلاطین مملوك مصر انتخاب میکردند وبنابراین بدیهی‌است که همکار یا همکاران رشیدین‌الدین را درتألیف تاریخ فرنگ باید دربین طرفداران پاپ جستجو کرد واین‌خود از لحن کتاب رشیدالدین که متمایل بپایان است ثابت میگردد وفقط این‌مسئله باقی‌میماند که آیا این شخص‌طرفدار پاپ که بارشیدالدین همکاری داشته از طبقهٔ روحانیون بوده است یاغیر روحانیون .

بنظر من باب مورد بحث از کتاب رشیدالدین چه از نظر سبك نگارش وچه ازنظر محتویات آن باید ازشخصی غیر روحانی ولی‌طرفدار پاپ باشد که بسیار سفر کرده بوده است. وباتوجه به‌اشارات متعددی که دراین‌باب بامور تجارتی گردیده و سایر مطالب مندرج در آن باحتمال قوی این شخص باید بازرگانی جهاندیده و فاضل بوده باشد و شاید هم‌وی یکی‌ازهمان تجار بانفوذ ایتالیائی باشد که درآنزمان در تبریز اقامت داشته اند واز الطاف ومراحم دربار ایلخانی برخوردار بوده .

دراین‌مورد هرشخص مطلع بی آنکه مایل باشد بی اختیار فکرش متوجه ایولوس داپیزا Iolus da Pisa (که ایزولوس Isolus و اوزولوس Ozolus و جیاکومو Gia Como نیز نامیده شده) میگردد که شخصیتش هنوز کم وبیش در پس‌پردهٔ اسرار پنهانست ودرمقدمهٔ کتاب ازاو بعنوان پادشاه پیزا یاد وبدوستی او باسلاطین مغول اشاره شده است ونیز ازهمین‌شخص درنامه‌ای که از پادشاه اراگون در دست میباشد

بقیه از صفحهٔ قبل

Les Mongols et la papaute در مجلهٔ شرق عیسوی L'orient Chrétien سری‌سوم ج۲۳ (۱۹۲۲/۲۳) وج۲٤ (۱۹۲٤) وج۲۸(۱۹۳۱/۳۲) وسورانزو G. Soranzo - دولت‌پاپ و اروپای عیسوی و تاتارها Il papato, L'Europa Cristiana e i Tatari میلان ۱۹۳۰ مخصوصاً ص۲۰۷ومابعد - واشپولر B. Spuler مغولها درایران Die Mongolen in Iran چاپ‌لیپزیک ص۲۰۵ ومابعد مخصوصاً ص۲٤٤ومابعد ومنابعی که دراین کتاب‌ذکرشده.

بعنوان شوالیه و معتمد پاپ نام برده‌اند[1] بنابراین بهیچوجه بعید نیست که وی همان کسی باشد که توسط او اطلاعات مربوط باروپا در اختیار رشیدالدین قرار گرفته است ولی چون هنوز سند و مدرکی برای اثبات این ادعا در دست نداریم این نظر فعلا حدسی بیش نیست .

واما راجع به باب چهارم که درتاریخ پاپان و قیاصره است باید در نظر داشت که کلیهٔ کتب تاریخی اروپای آن زمان که میتوان آنهارا بعنوان منبع رشید الدین مورد رسیدگی قرارداد عموماً دارای منشا کلیسائی هستند بنابراین حل این‌مشکل که چه کسی درانتخاب منابع کتاب رشیدالدین دست داشته است از روی مندرجات این کتاب زحمت بیفایده ایست . این شخص ممکن‌است بازرگانی‌فاضل مثلاهمان ایولوس داپیزا باشدکه قبلا ذکر شد وهم امکان دارد که یکی‌از کشیشان کاتولیك بوده باشد . ولی درمورد ترجمهٔ این منابع وانتخاب مطالبی ازآن شاید رشیدالدین از همکاری چندتن از کشیشان استفاده کرده باشد ، هرچند که بعضی قرائن مؤید این حدس نمیباشند[2] .

اکنون این سؤال پیش میآید که رشید الدین برای تألیف کتاب خود از کدام منابع باحتمال قوی استفاده کرده است؟ برای پاسخ باین سؤال باید به کتب

۱ـ رك: L. Wadding, Annales ordinis minorum رم۱۷۳۱ ج ۵ ص ۱۹۸ و۲۵۹ و J. L. V. Mosheim, Historia Tatarum ecclesiastica هلمشتدت ۱۷٤۱ ص۷۷ وضمیمهٔ آن ص ۹۷ و۱۰۵ و سورانزو در همان کتاب فوق ص ۲۷۷ و۳۳٤ و اشپولر در کتاب فوق الـذکر ص ۲۳۳ و هاید W. Heyd در تاریخ تجاری شرق در قرون وسطی Geschichte d. Levantehandels im Mittelalter اشتوتگارت ۱۸۷۹ ج ۲ ص ۱۱۱ .

۲ ـ زبان لاتین را برای ترجمهٔ منابع غیرروحانیون باسوادان‌عصرهم‌میدانستند. بنابراین آشنائی باین زبان دلیل روحانی بودن نیست و ازاین گذشته مترجم منابع رشیدالدین بچگونگی درجات ومراتب کلیسای‌کاتولیك درست آشنا نبوده واین از یك روحانی بعید است .

تاریخی مفصل ومتعددی که درقرن سیزدهم واوایل قرن‌چهاردهم درفرانسه وایتالیا نوشته شده و حتی قرنها بعدهم مورد استفاده بوده است نظری افکنند . این کتب تا حدی‌نوعی ادامهٔ همان فهرستهایی است که درقرن دوازدهم ازنامهای پاپان و قیاصره بترتیب زمان زندگی آنان با ذکر مدت پاپی و قیصری هریك بسال و ماه وروز و شرح مختصری در بارهٔ هریك ترتیب میدادند [1] . واینرا نیز باید گفت که هرچند تألیفات قرن سیزدهم وچهاردهم میلادی‌نسبت بفهرستهای فوق دارای تفصیل بسیار بیشتری هستند ولی ازلحاظ تاریخی اعتبار وسندیت آنانرا ندارند .

ازجملهٔ این کتب مفصل تاریخی قرن سیزدهم و چهاردهم که مؤلفان آنها تقریباً همه از فرقهٔ کشیشان دومینیکی بوده اند و در آن زمان بسیار مقبولیت عامه داشته‌اند کتب ذیل را میتوان نام برد :

تاریخ ونسان دو بووه Vincent de Beauvais (+۱۲٦٤)[2] .

تاریخ مارتینوس اوپاوینسس Martinus Oppaviensis که به‌مارتینوس پولونوس Polonus نیز شهرت داشت (+۱۱۷۸) .

تاریخ لئون دورویتو Leon d'orvieto (+۱۳۱٤)[3] .

وبالاخره تاریخ برنارد کوئیدونیس Bernard Cuidonis (+۱۳۲۱)[4] .

درمیان این کتب مخصوصاً تألیف مارتینوس اوپاوینسس که در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم نوشته شده بیش‌از همه شهرت داشته و در همان زمان تقریباً بهمه زبانهای

۱ـ رك: واتن‌باخ W. Wattenbach منابع‌تاریخ‌آلمان Deutschlands Geschichtsquellen چاپ جدید توسط هولتس‌مان Holtzmann برلن ۱۹۳۹ ج ۱ ص ۳۳۳ وبعد .

۲ - Speculum historiale, Douai 1624

۳- Chronicon چاپ I. Lami در Deliciae eruditorum فلورانس۱۷۳۷در۲مجلد.

٤- Histoire des Papes او که در Specilegium Romanum ج ٦ رم ۱۸٤۱ و قسمتی ازآن در Le Liber pontificalis چاپ L. Duchesne پاریس ۹۲ ـ ۱۸۸٦ ج ۲ ص ٤٦۲ وبعد بچاپ رسیده است .

اروپائی ترجمه گردیده است . حال ببینیم علت این شهرت ومحبوبیت چه‌بوده است؟

درنظر مورخان این کتاب بی‌ارزش‌ترین کتاب نوع خود ومملو از مجعولات وقصص بی‌اساس می باشد ولی شاید هم بخصوص بهمین‌علت ونیز بسبب سادگی‌سبك نگارش آن چنین مقام ممتازی راکسب کرده است .

از این گذشته درآن زمان باین کتاب تاحدی مانند نوعی تاریخ رسمی پاپان و قیاصره می‌نگریسته‌اند ، چونکه مؤلف‌آن دیرزمانی در دربار پاپ دارای مقامی شامخ وبلند بوده است [1] . باتوجه باین تفاصیل این حدس نزد من بوجودآمد که شاید رشیدالدین‌ازاین کتاب استفاده کرده باشد وخوشبختانه پس‌ازرسیدگی‌معلومم شد که این تصور باطل نبوده است . اکنون بعقیدهٔ من قسمت اعظم تاریخ فرنگ رشیدالدین اقتباسی است بصورت اختصار ازکتاب مارتینوس یا ازتاریخ دیگری که باآن قرابت ونزدیکی داشته است .

ترتیب اسامی پاپان وقیصران ومدت فرمانروایی هریك ودیگر مطالبی که در کتاب رشیدالدین‌است باوجوداینکه بصورت اقتباس‌وترجمهٔ‌آزاد نقل گردیده‌بقدری با مطالب تاریخ مارتینوس اوپاوینسیس مطابقت دارد که بنظر من تقریباً محال است بتوان کتاب دیگری را غیر از این کتاب بعنوان منبع اصلی رشیدالدین در نظر گرفت [2] ونیز ازاین نکته که در هیچ یك از نسخ خطی رشیدالدین و همچنین در

۱- چون روش مورخان اروپا درقرون وسطی چنین بوده است که مطالب خود را بدون ذکر مأخذ آزادانه ازکتب دیگر اقتباس وحتی رونویس کنند، تعیین دقیق مأخذ ومنبع اصلی غیرممکن است ودراین‌مورد باید مانند ما به‌نتایج کلی بسنده کرد .

۲ ـ جهت نشان دادن تبعیت رشیدالدین از مارتینوس در زیرنویس ترجمهٔ متن بفرانسه بمطالب مشابه مارتینوس اشاره کرده‌ام و برای فهم بهتر این ترجمه گاه‌گاه بین قوسین افتادگیهای مربوط باسامی پاپان وقیاصره‌را آورده‌ام ونیز درمورد تاریخها وغیره بخصوص درمورد پاپان از Liber Pontificalis استفادت بسیار برده‌ام .

نسخه‌ای از کتاب بناکتی ذکری از دوران پاپی ژان بمیان نیامده معلوم میشود که مورخ ، مطالب خود را از دونگارش نخستین کتاب مارتینوس که در آن این داستان وجود نداشته است اقتباس کرده است [1] .

گذشته از این منبع اصلی، رشیدالدین درتألیف خود بطور اختصار از چند مأخذ دیگر استفاده کرده است و احتمالا تاریخ سوریا Chronicon Syriacum و تاریخ کلیسا Chronicon Ecclesiasticum هردو تألیف ابن عبری Bar Hebraeus وچندروایت مجعول دیگر از آنجمله می باشند ولی نظر به کوتاه نویسی که شیوهٔ مورخ ماست میتوان در این باره نظر قاطعی ابراز داشت .

ازآنجا که رشیدالدین اطلاعات خودرا دربارهٔ تاریخ فرنگ از کتاب‌مارتینوس اوپاویتسیس یا ازمنابع دیگری که کاملا تابع این کتاب بوده‌اند کسب کرده است موجب آن گردیده که علاوه برمطالب فراوان تاریخی مقداری روایات جعلی و افسانه‌ها و قصص نیزوارد کتاب او بشود . مطالب اخیر متعلق بروایات حماسی و افسانه‌ای مغرب زمین در قرون وسطی می‌باشد که نه تنها به کتب تاریخی آن زمان راه یافته‌اند بلکه آنها را جداگانه نیزدرمجموعه‌ها وسفینه‌های مخصوص گردآوری کرده‌اند که‌مشهورترین ورایج‌ترین آنها Le genda Aurea تألیف Jacobus a Voragine میباشد .

این روایات مجعول و قصص موجود در کتاب رشید الدین را میتوان به سه طبقه تقسیم کرد بدینقرار :

۱ــ داستانها وروایات مربوط بروم قدیم و آثار آن .

۲ــ روایاتی که مربوطست به پاکان عیسوی ومعجزات عالم مسیحیت .

---

۱ ــ بنابرنظریات جدیدی که‌متکی برعقیده ویلاند Weiland می‌باشد این‌داستان توسط شخص مارتینوس قبل‌ازسال ۱۲۷۸ به‌نگارش سوم تاریخ خود افزوده شده است .

۳ـ قصص وافسانه‌های خارج از این دو بحث ازقبیل روایات بومی که قسمتی از آن مربوط بدوران پیش‌ازمسیحیت می‌باشد .

مطالب افسانه‌ای وقصص متعلق بطبقهٔ اول درتاریخ افرنج بقرارذیل میباشد :

روایت مربوط به بنای شهر روم ونخستین بنیاد نهندهٔ آن ساتورن (در متن : ستورنس = نمرود تورت) تا داستان رمولوس که تقریباً مطابق مندرجات کتاب Graphia aureae Urbis Romae [1] که یکی‌ازمنابع مارتینوس اوپاوینسیس بوده‌است میباشد .

یکی‌ازقرائنی که نشان میدهد که رشیدالدین درتألیف کتاب خویش ازمنابع دیگری هم غیر از کتاب مارتینوس اوپاوینسیس استفاده کرده است داستان ذیل از کتاب‌اوست که درتاریخ‌اوپاوینسیس‌دیده‌نمی‌شود و آن‌قصهٔ‌معروف دومیسین‌امپراطور روم است (درمتن:دومیطیانس) که بتخانهٔ ستون دار در روم بساخت وازهرولایتی‌بتی بآنجاآورد وهروقت دشمنی بروم روی میآورد روی‌آن بتها بسوی‌آن دشمن بودتا دفــع آن میکردند ـ این داستان را در روایات مربوط بروم قدیم بعضی در بارهٔ مجسمه‌های‌کاپیتول وبرخی دربارهٔ بتهای پانتئون Panthéon آورده‌اند .

دیگر از مطالب مربوط باین طبقه از قصص کلیهٔ روایاتی است در بارهٔ یافتن گنجهائی از روی مجسمه‌ها و کتیبه‌های قدیمی .

بنابر آنچه که گذشت طبیعتاً در کتاب ما قصص متعلق بطبقهٔ دوم فراوان تر از

---

۱ ــ این کتاب منتخبی‌ازسه کتاب: Historia Romana a Noe usque ad Romulum

Mirabilia urbis Romae

Libellus de ceremoniis aule imperatoris

میباشد. رجوع کنید به‌چاپ P. E. Schramm درKaiser, Rom und Renovatio لیپزیك ۱۹۲۹ ج۲ص۳۷وبعد.همچنین‌رجوع کنیدبه‌چاپ‌قدیمتر Mirabilia Romae از G. Parthey برلین ۱۸٦۹ ـ فقط از کتاب اول مطالبی نزد رشیدالدین باز می‌یابیم .

داستانهای متعلق بدو طبقهٔ دیگر است در مورد مطالب مربوط بولادت و جوانی حضرت مسیح علیه‌السلام نیز ممکن است مؤلف ماغیر از کتاب مارتینوس اوپاوینسیس ازمآخذ دیگری‌هم ازقبیل انجیلهای جعلی وروایاتی‌از آن گونه که در Le genda Aurea دیده میشود استفاده کرده باشد .

از اینکه بگذریم مندرجات کتاب رشید الدین دراین مورد کاملا با مطالب تألیف مارتینوس اوپاوینسیس مطابقت دارد. ودر هردو کتاب مشهورترین روایات و قصص عیسوی دیده میشود. مثلا داستان رفتن پاپ کریاکوس (Cyriaque) با یازده هزار دختر باکره بشهر کلنی (آلمان) وقصص معروف دربارهٔ قسطنطین امپراطور روم وچگونگی‌شفایافتن اوازبیماری برص‌بدست پاپ سیلوستر(درمتن :سلفستروس) و گرویدن او بدین مسیح براثرمعجزهٔ زنده شدن گاوی که زمبری جادوگر آنرا کشته بود ومنتقل کردن او پایتخت خود را به قسطنطنیه ووا گذاردن روم وممالك فرنگ به پاپ . دیگر داستان بیرون‌آمدن اصحاب کهف درزمان تئودوسیوس‌قیصر وقصهٔ ظاهر شدن ابلیس بصورت موسی برجهودان درجزیرهٔ کرت وخلق را بقدس وعده دادن وداستان ترسا شدن ساحر (مغ!) پارسی موسوم به اناستاسیوس بعهد پاپ انوریوس اول و قصهٔ پاپ شدن سیلوستر دوم بمدد ابلیس و کیفیت توبه و کفارهٔ گناهان او .

واما ازجمله روایات متعلق بهطبقهٔ سوم باید قصص عامیانه را برشمرد ازقبیل داستان بزرگی (امیریااسقف) که موشان (یا شپشها) ویرا دریدند که در اروپای شمالی وشرقی بسیار معروف است و قصهٔ درختی که مرغ بار میآورد که دراروپای غربی شنیده میشود .

این قصص بسیار قدیمی مخلوق تخیلات عوام و اعتقاد مردم بمعجزات در مغرب زمین است که در کتاب رشیدالدین بین مطالب خشك تاریخی قرار گرفته‌اند

وهمین باین کتاب لطف خاصی می بخشد بخصوص وقتی درنظر بگیریم که این روایات از این طریق وارد مشرق زمین گردیده‌اند شاید بتوان اینموضوع را پاداش وعوض ناچیزی از جانب مغرب زمین دانست درمقابل انبوه داستانها وقصصی که از مشرق گرفته است . اما با وجود منظر جذاب آن در اینمورد نباید راه اغراق و گزافه گوئی راپیمود چونکه میدان انتشاراین داستانها درمشرق زمین محدود بخوانندگان باسواد کتابهای رشید الدین بوده است .

چاپ حاضر تاریخ فرنگ از روی دونسخهٔ خطی ذیل انتشار یافته است :

۱ ــ نسخهٔ شمارهٔ ۲۰۸ (ورق ۱۵۹ ـ ۱٤٤) کتابخانهٔ دولتی (ملی) باویر در مونیخ Bayerische Staatsbibliothek که دراین چاپ باعلامت M بآن اشاره می‌شود[1] .

۲ــ نسخهٔ شماره ۲۸۲۸ (ورق ۳٦۸ الف ـ ۳۰۷ ب) دیوان هند India office که درچاپ حاضر باعلامت IO آنرا ذکر می کنیم [2] .

از این دونسخه نسخهٔ اول هرچند افتادگی‌های بسیار دارد بیشتر مورد اعتماد است وماآنرا اساس کار خود قرار دادیم .

هر دونسخه در دوره های اخیر نوشته شده است. نسخهٔ مونیخ متعلق است به آغاز قرن ۱۸ (؟) و نسخهٔ دیوان هند در قرن هفدهم میلادی (۱٦۷۱ میلادی = ۱۰۸۱/۸۲ هجری) کتابت گردیده است وهردورا بخط تعلیق خوانای خوب نوشته‌اند. ازمقایسه ورویهم نهادن این دو نسخه تقریباً متن کامل تاریخ فرنگ بدست میآید.

۱ــ رك: اومر نسخه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ سلطنتی و دولتی درمونیخ ــ طبع مونیخ ۱۸٦٦ ص ۷۱ .

J. Aumer, Die persischen Handschriften der Koniglichen Hof. und staatsbibliothek in München.

۲ـ رك : اته فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانهٔ دیوان هند ـ اکسفورد ۱۹۰۳ ج ۱ ص ۱۵۲۷-۲۸ .

H. Ethé, Catalogue of Persian manuscripts in the library of the India office.

درآغاز قصد داشتم برای مقابله ازنسخ معتبردیگر نیزبخصوص نسخهٔ خطی کتبخانهٔ توپ قای سرای اسلامبول استفاده کنم ولی نظر باقدامات احتیاطی که دولت ترکیه برای حفظ گنجینه‌های فرهنگی‌خود درجنگ اخیر بعمل‌آورده بود این نسخه در دسترس نبود ونقشهٔ من عملی نشد ـ درآغاز کارنبودن این نسخه‌نقص کاملا محسوسی بود ولی بادست یافتن بدو مآخذ بسیارعالی‌ومعتبردیگر تااندازه‌ای این نقص جبران گردید و این دومآخذ عبارتند از :

یکی نسخهٔ خطی‌بناکتی که درسال ۹۶۲ هجری (۱۵۵٤/٥ میلادی) کتابت شده و تحت شمارهٔ ۲٦۳٤ در کتابخانهٔ دانشگاه لیدن هلند موجود است وما درچاپ حاضر باعلامت B از آن یاد میکنیم .

دیگری تاریخ مارتینوس اوپاوینسیس که ظاهراً منبع اروپائی رشیدالدین‌بوده است ودرچاپ حاضر هرجا لازم بوده باعلامت MO نموده شده است . این دو کتاب مرادرتنظیم‌مجدد متن اصلی‌تاریخ‌فرنگ‌وروشن کردن‌قسمتهای‌تاریک ومشکوک‌آن مدد کرده‌اند ،حتی‌بدون اغراق‌میتوانم ادعا کنم که بدون استفاده از کتاب‌مارتینوس اوپاوینسیس قسمت اعظم متن‌تاریخ فرنگ که بدست کاتبان بی‌سواد خراب ومسخ گردیده است بکلی غیر قابل فهم میماند .

رشیدالدین درتاریخ فرنگ نه تنها ازحیث مطالب از سر مشق اروپائی خود تبعیت دقیق کرده است بلکه در مورد شکل ظاهری کتاب خویش یعنی تقسیم و طبقه بندی مطالب وتزیین ونقاشی آن نیز به‌آن نسخه‌های اروپائی توجه داشته‌است چنانکه درکاملترین نسخ موجودآن مثلا درنسخهٔ خطی کتابخانهٔ توپ قاپی سرای ودرنسخهٔ دیوان هند کاملا مانند فهرستهای اروپائی مشابه اسامی پاپان وقیصران با شرح زندگی آنها و سایر مطالب بترتیب تاریخ حیاتشان در دو ستون موازی هم از بالا به‌پائین نوشته شده‌است. ولی‌کاتبی که بعدها نسخهٔ مونیخ را رونویس کرده‌است ازرعایت این ترتیب که برای او دشوار بوده چشم پوشیده وپاپان وقیاصره رابترتیب

پشت سرهم نوشته است [1] وهرچند این شکل‌ازنیت اصلی مؤلف بدور است ومتن را مبهم و تاریک میکند معذلك بعنوان اساس چاپ حاضر سودمند بود .

نسخ خطی کامل‌تاریخ افرنج نشان میدهد که این کتاب دراصل دارای‌تصاویر پاپان وقیاصره نیزبوده است ولی‌من تاکنون به نسخه‌ای که دارای این تصاویر باشد برخورد نکرده‌ام. درنسخهٔ خطی‌اسلامبول‌فقط بطور کلی قسمتی‌از تصاویر رابرنگ قرمز طرح ریزی کرده‌اند ودرنسخهٔ دیوان هند جای تصاویر را خالی گذاشته‌اند تابعداً نقاشی شود [2] ولی درنسخهٔ خطی مونیخ وهمچنین نسخهٔ خطی‌تاریخ بناکتی هیچگونه اثر ونشانی ازقصد مصور کردن آنها وجود ندارد .

در مورد ترجمهٔ متن بزبان فرانسه تذکر این نکته رالازم میدانم که منظور اصلی‌من درترجمه حتی‌الامکان پیروی دقیق از متن اصلی‌فارسی‌بوده است وهرگز این قصد را نداشته‌ام که سبك ساده وبی پیرایهٔ متن فارسی را فدای رعایت فصاحت در ترجمهٔ فرانسه بنمایم .

کارل یان

۱- درنسخهٔ‌خطی بناکتی‌لیدن که ظاهراً کاتب تقسیم‌بندی اصلی‌مؤلف را محفوظ داشته است تاریخ پاپان وقیاصره در دوفصل جدا ازهم آمده است .

۲- درنسخهٔ دیوان هند شرح تصاویری را که قرار بوده بکشند نوشته اند ولی من عبارات مثلا تصویر پاپ عمرو ویا تصویر قیصر زیدرا درمتن‌چاپ‌حاضر نیاورده‌ام.

باب سیم از قسم دوم از تاریخ افرنج

در معرفت ولایت افرنج و بحار وجزایر آن

زمین افرنج بسیط وعریض است ومملکتی وسیع درجانب غربی شمالی از ربع مسکون.وحد اوّل او از جانب جنوب بحر روم‌است . طولش ممتد است ازمغرب بمشرق، میان‌طنجه وشام؛ وحد دوم ازطرف شمالی بلاد روس وترك‌وصقالبه[1] ؛ حدّ سیم طرف مشرق در جنب ولایت یونان؛ حدّچهارم بحرمحیط غربی‌معروف باوقیانوس.ودرین[2] مملکت اوّل ازجهت مشرق بلاد الامانیه،وسط بلاد افرنسه، آخر بلاد اندلس.اصل آن مملکت مدینهٔ رومیهٔ عظمی‌است‌ودارالملك فرنگان آن شهر ست واوّل کسی که‌آنرا بناءنهاده‌ستورنوس‌بوده[3] که‌درتورات‌نام [او]نمرودآمده‌و اوراپسر،ناخلف‌بود،ترسید که او را برادری شود پدر را بگرفت وخادم کرد وستورنوس ازاستیلای[4] پسر‌بگریخت وبزمین‌رومیه رفت جایی عظیم نزه[5] وخرّم دید،شهر رومیه رابناءکرد وهر امیری بحسب مرتبه عمارتی کردند وبعد از آن چون مرتبهٔ پادشاهی بروملوس رسید آن شهر را بارو کشید ونام خود را بدانجا[6] نهادوعجم آنرا هرومه خوانند ووسط ولایت و دارالملك افرنسج شد و دور آن[7] تقریباً بیست فرسنگ باشد

۱ ـ نج : وغیره .
۲ ـ ج : وآن .
۳ ـ نج : کرد ... بود .
۴ـ نج افزوده ؛ غلبهٔ .
۵ ـ ج : فزه ؛ نج : سبز ، نزت . (متن تصحیح قیاسیست) .
۶ ـ نج : خود آنجا .
۷ ـ نج :او .

سیصدوشصت برج بربا روی آن ساخته‌اند ودر ماه ایار رومی که چهار
هزار وچهارصدوهشتاد سال از تاریخ آدم گذشته است باروی آن شهر
ساختندو بعداز روملوس هفت پادشاه ازفرزندان اومتعاقب‌بودند درمدت
دویست‌وچهل سال‌وسقراط حکیم درزمان ایشان بود. بعداز عهدفرزندان
۵ روملوس هرسال‌پادشاهی‌را برتخت[می][۱]نشاندندوآخرسال‌معزول‌میکردند
تاچهارصدوهجده سال برین بگذشت. بعدازآن جلیوس‌بادید آمد. بعداز
جلیوس دیگربار پادشاهی بطناً بعد بطن شد واز پدر بپسر برسیدوجلیوس
چون‌به‌پنجاه‌وشش‌سال رسید[۲] نماند[۳]بعدازآن‌اغسطوس‌پادشاه شد ومدتی
مدید آنجا قیاصره مقام داشتند واکنون مقام پاپان‌هست که خلفای‌مسیح
۱۰ علیه‌السلام اند وآن[۴] شهر درغایت معموریست.[۵]
وترتیب‌پادشاهان[۶] افرنج‌چنانست که‌مرتبهٔ‌اوّل‌پاپست که‌معنی آن‌پدر پدران
باشدواوراخلیفهٔ مسیح‌میدانندو بعدازآن‌قیصر[۷] وبزبان‌افرنجه‌قیصررا انپرور
گویند که‌معنی آن‌سلطان‌سلاطین باشد. بعدازآن‌ریدافرنس که‌معنی آن‌پادشاه
پادشاهان‌باشد. واز آن‌روز که‌قیصرست‌پادشاهی تاموت‌بدارد.اورا بحسب
۱۵ وزیادت[۸] دیانت‌واستعداد‌ازمیان‌جمعی‌مستعدان‌اختیار میکنند وبپادشاهی
می‌نشانند وریدافرنس پادشاهی بمیراث دارد اباً عن جد واکنون بغایت
معظم و معتبرست ودر تحت فرمان او دوازده پادشاهند هرپادشاهی‌را همه
ملك‌مطیع اند.بعدازآن[۹] رای که‌معنی آن‌ملك‌وخداوندباشد ومرتبهٔ‌پاپ[۱۰]

۱ ــ نج : بتخت نشستند .
۲ نج : سال عمر او گذشته بود .
۳ نج : ایشان .
٤ ــ نج : آین .
۵ ــ چ : نهایت معمورست ؛
٦ ــ نج : سروران و پادشاه .
۷ ــ نج : ومرتبهٔ دوم .
۸ ــ کلمه از نج است .
۹ ــ نج : مرتبهٔ چهارم .
۱۰ ــ نج : پایان

تاغایتی بلند و بزرگست که هرگاه که خواهند که قیصری را نصب کنند هفت کس ازمهتران[1] که‌جهت آن تعیین‌اند در آن باب کنکاج کنند سه مرحیسا و سه امیر بزرگ و یکی پادشاه و درجملهٔ اعیان‌فرنج تبحث کنند تا قرب ده کس را برگزینند، ازمیان آن‌ده‌یکی را که بزهد وصلاحیت و کفایت وعفت منسوب باشد و بامانت ودیانت، وثبات ووقار وحسن اخلاق وشرف وکمال نفس موسوم بعداز استقصاء تمام اختیار کنند وتاجی ازنقره برسر او نهندو[2] درملك الامانیه، که زعم افرنج آن ولایت را ثلث ربع مسکون میباشد واز آنجا بولایت لنبردیه آیند، آنجا تاجی ازپولاد برسر او نهند، بر رمیهٔ کبری شهرپاپ آید وپاپ تاجی از زر بهر دو پای بردارد وبرسر او نهد وبعد از آن اوخود رابیفکند آنگاه رکاب گیرد تاپاپ پای برسر و گردن اونهد وبرتن او برود[3] وبراسب نشیند آنگاه اسم قیصری بر واطلاق کنند وپادشاهان افرنج منقاد ومطیع اوشوند وحکم او دربر[5] وبحر ولایت افرنج[4] روان گردد .

و ابتداء ولایت افرنج از پیش مغربست که موازی و محاذی آن دریاست که درموضع هردوساحل آن همچنان بیکدیگر نزدیك میشود که عرضش به پنج فرسنگ رسدوطول آن‌موضع بیست فرسنگ و آنرا ازقاق میخوانند وآن زمین را فرنگك اسپانیا گویند وطول کما بیش یکماهه راه باشد ودرآن چندپاره‌شهری معروفست بدین‌تفصیل[5] : بلنسیا، مرسیه، شاطبه طلیطله، اشبیلیا، قرطبه... وچندپاره‌جزیرهٔ خردوبزرگ[6] چون: ایبسا، منورکه

۱ ــ نج : معتبران .
۲ ــ واو زائد می نماید .
۳ ــ نج آنگاه رکاب گیرد تاپاپ پای برسر و گردن او نهد .
٤ ــ نج : آن ولایات .
٥ ــ نج : فی‌الجمله این ولایات .
٦ ــ نج : بزرگ و کوچك .

میورکه...وجزیرهٔ صقلیه. فی‌الجمله آن‌ولایات مذکوره را در اوائل عهد
اسلام مسلمانان فتح کرده بودند ودر دست پادشاهان مغرب بود ودر سنهٔ
ستین وستمایة ری قطلونیه از مسلمانان بستد،اکنون خراج بهری‌اسپانیا[1]
دهند ومسلمانان راکه سکان جزیرهٔ صقلیه بودندبا شهر لوچیره که در
٥ وسط مالك افرنج است آوردند وبجای‌ایشان قوم ترسایان رابابین[2]جزیره
فرستادند جهت احتیاط تا بامغاربه یکی نشوند.ودر آن وقت که‌مسلمانان
عکه‌رابستدند ودرزمین‌ایران مسلمانان کلیسیاها راخراب کردندورنگان
آن‌مسلمانان‌راکه قریب دویست هزارنفربودند درعوض آن شهید کردند.
واکثر مردم شهر طلیطله بنو اسرائیل‌اند از فرزندان یهودا بن یعقوب
١٠ علیه‌السلام.

و در ابتداءِ[3]مغرب آنطرف که باجانب شمال دارد ولایتی است
طول آن یکماهه‌راه ، پادشاهی بزرگ معتبر دارد نام او ری‌پردگله[4]
واورامال‌فراوان ولشکربی‌پایانست،واحیاناً میان اووری‌اسپانیامصاف‌افتد
ومحاذی این زمین‌درمیان دریای محیط دو جزیره است: یکی ابرنیا واز
١٥ خاصیت خاك آن زمین آنست که حشرات زهردار میمیرند ودرآن‌زمین
موش تولدنمیکند[5] ومردم آنجا دراز عمرباشند ، سرخ روی وبلند بالا
وقوی هیکل ودلاور ودرآنجا چشمهٔ آب رواناست که اگر چوبی درآن
نهند بیاك هفته‌ظاهرآن‌سنگ گردد.ونام جزیره‌ایکه‌بزرگترست انگلته‌تر
ودرآن کوه خواص(؟)بسیارومعادن بیشمارستاز زر ونقره ومس و قلعی
٢٠ وآهن • انواع میوه‌ها[6]. واز عجائب‌آن زمین درختی است که مرغ بار

١ ــ نج : پادشاهی .
٢ ــ نج : بآن .
٣ ــ نج : واین ولایت را از نقطهٔ .
٤ ــ نج : انگلیه‌تر .
٥ ــ نج : متولد نمیشود .
٦ ــ نج : درخت میوه فراوان .

می‌آورد و آنچنانست که بوقت شکوفه انبانی مثل سیب از آن بیرون می‌آید
درمیان آن صورت مرغیست، چون کلان شود جان میگیرد و بیرون می‌آید،
آنرا[1] نگاه میدارند و دانه میخورانند[2] تا مقدار بطی بزرگ میشود[3] و گوشت
اهل آن زمین بیشتر از آن مرغ است و تقریر میکنند که میان عیسویان
که بوقت روزه حیوانی نمیخورند درخوردن آن اختلافست بعضی او را ۵
از نباتی میدانند[4] جهت آنکه بار درختی است و بعضی از حیوانی چه آواز
آن خون می‌آید. ودر آن هردو جزیره گوسفندان میباشند که از پشم ایشان
صوف قدسی و سقرلاط بغایت لطیف می‌آید و پادشاه هر دو جزیره را نام
سقوطلا ندیه[5] است و خراج بدری انگلتر میدهند. و بعد از آن ولایتی است
معتبر و بغایت بسیط و عریض و بیشتر آن خشك است و بعضی دریا دارد ۱۰
ودرجنب الامانیه ولایت قیصر افتاده و پادشاه آنجا را ریدافرنس خوانند
وانگلتر پادشاه جزایر خراج گذار اوست. ودرجنب این ولایت ریدافرنس
الامانیه است که ولایت قیصر است دوازده پادشاه معتبر مطیع و منقاد او اند
و خراجگذار قیصر. ودرجنب الامانیه مملکت دیگر هست که اورا بوهمیا
خوانند و پادشاه آنجا را ساقی گویند مطیع قیصر ست وصدهزار سوار دارد ۱۵
ومتصل بآن ولایت مملکت بزرگ است و پادشاهی معتبر نام او پولونیا
ودر آنجا کوهها است پرجواهر و معادن فلزات[6] و درین چند سال او نماند
وملك اورا ری بوهیمیا بتغلب بگرفت[7] واکنون درتصرف اوست. ودرجنب

---

۱ ــ نج : ده سال ۲ اصل : میخورند . (متن تصحیح قیاسیست)
۳ ــ نج : درختی است که مرغ بار می‌آورد و آنچنانست که بوقت شکوفه انبانی مثل سیبی از آن درخت بیرون می‌آید مرغی در آن میان و منقار آن بچوب متعلق میباشد و بگاه رسیدن میوه مرغی که درو متولد شده بمنقار آن انبان را سوراخ میکند و بیرون می‌آید، و آنرا ده سال نگامدارند مقدار بطی بزرگ شود . ٤ ــ نج : آنرا از نباتی می‌نهند .
۵ ــ نج : سقوط طلاندا ؛ سقوط طلانه باشد. ٦ ــ نج : پر معادن جواهر فلزات .
۷ ــ نج : بدست بتغلب فرو بگرفت .

ولایت بولونیا ولایت دیگرست نام او پروسیه و آن مملکت از پاپانست[1]
که گلیم سفید میپوشند و صلیب سیاه بر سینه دارند و در قدیم الایام بت پرستان
و آتش پرستان داشته‌اند و برابر نقطهٔ شمالست یکطرف او روی سوی روسیه
دارد که او را اسقلاب گویند[2] و مابین مشرق و شمال، نهایتش بدریای محیط
٥ میرسد وهوای آنجا بغایت سرد می باشد و روز زمستان[3] و شب تابستان
ایشان در غایت کوتاهی میباشد وآن مملکت را پادشاهی است[4] نام او
سویتیه[5]. وطول آن جزیره درمیان دریا دور می کشد واز افراط برودت
کسی آنجا نمی تواند رفت[6] و کهربای زرد وسفید از آنجا میخیزد. ومتصل
بدن زمین مملکتی هست نام پادشاه آنجا گوتلنده، او را بنام جزیره‌ایکه در
١٠ آن مملکت هست میخوانند وجزیرهٔ دیگر هست نام آن نورویگیه
وپادشاه آنجا را نیز بنام جزیره بازخوانند وتقریر میکنند که طول آن
ممتدست تا زیر نقطهٔ قطب شمالی چنانکه بسمت الرأس میرسد وسنقور
سفید نیز از آنجا میآورند ومیگویند که آدمی نیز هم درطفلی سفیدموی
وسفید مژه وسفید ابرو باشد وراویان روایت میکنند که غایت درازی روز
١٥ آنجا در اوّل زمستان دو ساعت میباشد[7] وبیست ودوساعت صبح وشفق
چنانکه خطهای باریك نتوان خواندن[8] وچون آفتاب باوّل سرطان رسد
بعکس آن[9] باشد وسبب این معنی آنکه فلك آنجا رحوی[10] میگردد وآنچه
درزبان خلق و افواه مردم افتاده که ظلماتی هست معتمدان ایشان تقریر

١ ــ نج : مملکت زنان .
٢ ــ نج : یکطرف او سوی روسیه که آنرا... دارد .
٣ نج : افزوده : ایشان .
٤ ــ نج : دارد .
٥ ــ نج : سولیا .
٦ ــ نج : توان رفتن .
٧ ــ نج : دراول آفتاب بحدتی دو ساعت .
٨ ــ نج افزوده : ونبشتن .
٩ ــ نج : این .
١٠ ــ اصل: رخوی . (متن تصحیح قیاسیست)

میکنند که از ابتدای آن جزیره تا انتهاء دائما مهات میباشد چنانکه هرگز
بر نمی خیزد و بدان سبب همواره تاریك بود باین اعتبار اورا[1] ظلمات گویند[2].
و مردم آنجا بغایت بزرگ هیکل و عظیم جثه میباشند وزود[3] پیر شوند.
وبرابر زمین مغرب بغیر از ولایت اسپانیا متصل بآن زمینی است که آنرا
کتلونیا گویند واره گونیه[4] گویندنیز گویند و بسبب[5] نام آن ولایت پادشاه ۵
آنجا را ری کتلونیه میخوانند واز کوههای آن ولایت سیماب میخیزد
ومعادن زر و نقره ومس نیز هست. واین[6] ولایت کتلونیه سه ملك است: فلنسیه،
مرسیه، میورکه. ومردم آنجا بغایت شجاع ودلاور باشند تا غایتی که مردن
را عیب دانند و کشته شدن را هنر شمرند. ودرجنب[7] کتلونیا ولایت دیگر
هست که بر خط مشرق میرود و نام آن نربونا[8] و بر یسار آن ولایت دیگر ۱۰
هست معمور و کثیر الخلق[9] ودر آنجا طعمه عزیز الوجود و بالای آن[10] ولایت
هم بر خط مشرق موازی ولایت ریدافرنس ولایتی است نام آن دلوزه ودر
آنجا لشکر بزرگ هست و بالای آن متصل باین زمین شهریست نام آن
پریس ودر آنجا مردم بسیار مقیم و غریب تحصیل علوم طبی وحکمی کنند[11]
متعلّمان غریب در آنجا قرب صدهزار باشند ومیان پریس و کتلونیا ولایت ۱۵
دیگر هست نام آن رد نفره پادشاه آن[12] با پادشاه مغرب دوست باشد
ویکدیگر را تحف[13] وهدایا فرستند و بوقت احتیاج بلشکر مدد ومساعدت
نمایند. ودرجنب آن ولایت ولایتی است بغایت معمور و بسیار خلق برساحل

---

۱ ــ نج آنرا .
۲ ــ نج : وحیوانات درآنجا اندك باشد و میگویند .
۳ ــ نج زودتر .
٤ ــ نج : اره کون .
٥ ــ نج : بنسبت .
٦ ــ نج : آن .
۷ ــ نج : بنزدیك .
۸ ــ برمران .
۹ ــ نج : ولایتی بغایت معمور ... است .
۱۰ ــ نج : این .
۱۱ ــ نج افزوده : و می گویند .
۱۲ ــ نج : آنجا .
۱۳ ــ نج : یکدیگر را تعهد کنند .

دریا نام آن جنوه است و نام پادشاه آن جنوه ودویست قترقه دارد هریك[1]
سیصد مرد جنگی، شمول[2] وتجار افرنج که باطراف مصر و شام و مغرب
واطراف روم وتبریز سفر میکنند از آن فرضه[3] روان میشوند بکشتی. وبالای
آن ولایت هم بر[4] خط مشرق بیابانست همان[5] قریب چهل میل راه پیرامون آن
بیست[6] ودو پاره شهر معمور پر نعمت ولشکر آماده. ودر آن شهرها پادشاه[7]
اصیل معتبر نیست صدور واکابر آنجا مردی[8] پارسای نیکوسیرت رانامزد
میکنند وباتفاق اورا سالی بپادشاهی مینشانند و درآخر سال منادی ندا
کند که کیست که درین یکسال برو ظلمی رفته است باید که دادخواه شود
جمله متظلّمان حاضر شوند و گردن اورا آزادکنند بعداز آن دیگری
را[9] طلب دارند وبپادشاهی نشانند. وپیرامون آن صحراءِ لشکر بی‌اندازه
است ودر سوابق ایام اهل دو[10] شهر را بایکدیگر خصومت افتاد واز هردو
جانب ششصدهزار سوار بجنگ بر نشسته دربرابر یکدیگر آمدند. ومتصل
بآن ولایت ولایتی دیگر هست نام آن بنونیه ودارالملك آن شهری معظم
است ودرآنجا مردم بسیار باکتاب آداب وحکمت وفنون وعلوم مشغول
باشند واز آن زمین اسبان توبچاق خیزند، ودرجنب آن ولایت ولایتی
هست نام آن مکه دترفیش واز آنجا نیز اسبان نیکو خیزند و در آن
ولایت لشکری بسیارست ومتصل بآن ولایت بر کنار دریا شهری است نام
آن فنسیه واکثر ابنیهٔ آن را از دریا برآورده‌اند وپادشاه آنجا را نیز

---

۱ ــ نج : یکسر .
۲ ــ نج : مشحون .(متن روشن نیست شاید : بسیصد مرد جنگی مشحون ؟ بوده‌است)
۳ نج : وجه .
۴ ج : از .
۵ ــ نج : هامان .
۶ ــ نج راه بیراهیست .
۷ ــ نج : پادشاهی .
۸ نج : مرد .
۹ ــ نج : مردی .
۱۰ ــ نج : آن دو .

سیصد قدرقه میباشد و آنجا نیز پادشاه[۱] باقوّت واصالت نیست، بزرگان شهر باتفاق هم شخصی پارسای ومتدیّن را بپادشاهی مینشانند وچون اودرگذشت[۲] دیگری را اختیار کرده نصب کنند. وبالای این ولایت مملکتی هست بزرگ که پادشاه آنجا بطریق ماکدنیا[۳] بالشکر بسیار ونعمت بیشمار[۴] ودرآنجا کوهیست که دائماً پر برف باشد واز آنجا[۵] بلورصافی می‌خیزد ۵ وازطرف شمال آن ولایت[۶] لنبردیه‌است ومیلان دیه[۷] و... ودرجنب بطریق مملکت[۸] بسیط عریض است بولایت قرم[۹] وبلغار پیوسته ودرآنجا لشکر بیحد ونوقای ازاروق جوجی بالشکر بزرگ مغول پیوسته تاختن بآنولایت میبرد وایشانرا میزندواورا بزبان[۱۰] ایشان ماجرستان[۱۱] میگویند. وازجانب لنبردیه که روی بجانب[۱۲] قبله‌دارند ولایتیکر هست نام آن مرکد نکونا ۱۰ که خانهٔ پاپست وایشان دریای جنوب وطرف قبله نگاه میدارند. ومحاذی ایشان جانب دریای شمالی نیز نگاه میدارند. ودرجنب آن ولایت دیگر هست نام آن پاترمونیومس پترو[۱۳] روی بجانب مغرب دارد ودرمیان ولایت لنبردیه ولایت بزرگست نام آنولایت[۱۴] توسکانا ودرآنجا چند پاره شهر معمور ولشکر نامحصور. ودرجنب دریای مغرب نزدیك شهرجنوه شهریست ۱۵ معتبر مشهور پیزا نام ودر برّ وبحر آن لشکر فراوان وجول بهادر نام که او را با پادشاهان مغول و اوروق چنگیزخان دوستی واتحاد بود پادشاه آنجاست. وبر شرق[۱۵] ولایت رومیهٔ کبراء ولایتست نام آن کنپانیه ودرآنجا لشکر بسیار. وبالای کنپانیه مملکتی است که طول آن یکماهه

---

۱ ــ نج : پادشاهی .
۲ ــ نج : گذرد .
۳ ــ نج : ماکلیسیا .
٤ ــ نج : بلشکری بیشمار ونعمتی بسیار .
۵ ــ نج : کوهی است که .
٦ ــ نج : این زمین .
۷ ــ نج : متلان دیه . ۸ ــ نج : مملکتی .
۹ ــ نج : قوم
۱۰ ــ نج : آنرا .
۱۱ ــ نج : ما حورستان .
۱۲ ــ نج : بجنوب و .
۱۳ ــ نج:ارموسودس، بامرموسیوس بیر .
۱٤ ــ نج : آن .
۱۵ ــ نج : در شرقی .

راه باشد نام کلبریه ودو[1] طرف آن غربی‌وشمالی دریاست. ومرجان سرخ
از کنار دریا از جانب شمال آن ولایت برمیخیزد. ودروسط آن مملکت
شهریست[2] معظم نام آن‌لوچره. ساکنان آنجا[3] جمله مسلمان‌بودند و کشته
شدند ومتصل بآنجا جزیره‌ایست بزرگ از جانب مغرب نام آن صقیلیه[4]
۵ پادشاه آن ریچال[5] در آنجا مرجان است ومعادن بی اندازه[6] پادشاه آن
جزیره از ولایت مغرب تونس خراج می‌ستاند وریچال دختر به‌پسر ری
دارگون داده وجزیره صقلیه که قریب دویست فرسنگ است باو بخشیده
ودر آن جزیره عجائب بسیارست از آنجمله کوهیست که پیوسته آتش از
آن میدرفشد[7] و روایت میکنند که بوقت اجتماع و استقبال قمرین شعلهٔ
۱۰ آن آتش از آنجا فرسنگها میرسد ودرپای آن کوه آب بزرگست آنرا
تمامت میجوشاند و پیرامون آن‌جزیره دوازده کوهست، درآنجاخرماستان
ونیشکر بسیار[8] ودر حوالی آن جزیره جزیرهٔ چند دیگرهست و تمامت
افرنج دارند مابین‌تونس وصقلیه پنجاه میل باشد در دریا ومیان‌خشکی
المانیه[9] ونورویگیه مملکتی هست نام آن‌ردانیا[10] کوههای آن پر معادن
۱۵ زر ونقره ودیگر جواهر ومیان المانیه وریدافرنس ولایتی است که‌آنرا
فندر[11] خوانند وشهردارالملک را اریس[12] وبرپنج‌فرسنگی‌شهر بیابانست[13]
ودر آنجاکلیسیائی بغایت بزرگ ومعتبر که آنرا ایوانس خوانندودرآن
کلیسیاخلق‌بسیارند واطعمه عزیزالوجود وحکمت الهی چنان اقتضاکرده

---

۱ — نج : کارلو ودر ؛ کاریو ودر .
۲ — ج : شهرست .
۳ — نج : آن .
٤ — نج : صقلیه .
٥ — نج : ریحال .
٦ — نج : ودرنهایت آن ولایت جزیره‌ایست بزرگ نام آن صقلیه .
۷ — نج : درخشد .
۸ — نج : خرستانی ونیشکر بسیار .
۹ — نج : الامانیه .
۱۰ — رداسا ، ادوسیا ، دبراسیا .
۱۱ — نج : قبدر .
۱۲ — نج : ارس .
۱۳ — نج : بیابانی .

است که هر سال چون آفتاب باول درجهٔ جدی رسد تمامت هوای آن صحرا
ازمرغ سیاه شود و هریك دانهٔ زیتون بمنقار گرفته بیاورند و در آن کلیسیا
وحوالی آن می‌اندازند و باز میگردند تامدت سه شبانه روز بگذرد وبعد
از آن مرغ را [۱] نبینند و میگویند درصد فرسنگی آنجا درخت زیتون
نیست و کس نداند که از کجا میآورند وساکنان آنجا آن زیتون‌ها را ۵
جمع کنند وطعام وادام سازند واز بعضی روغن گیرند [۲] ودر کلیسیا
میسوزانند واین حکایت ازعجائب عالم‌است. واهل‌فرنگ شکل وهیأت
ربع‌غربی‌رابر کشیده‌اندوآنرا باب‌مندو [۳] میخوانند وصورت تمامت‌ولایت
وجزایر وجبال‌وبحاروصحاری درآنجا نقش کرده ومقیاسی جهت‌مساحت
زمین‌بفراسخ ساخته وقطر آن را بده‌قسمت کرده‌اند وچون خواهند که ۱۰
مقدار بین‌الموضعین بدانند آنرا بپرگاری قیاس کنند [۴] و صورت‌آن‌در
مجلدسیم‌ازین کتاب مبارك [۵] که‌برصور [۶] اقالیم مشهور [۷] است‌اثبات‌خواهد
یافت. وفرنگان‌بیست‌وپنج لغت‌سخن‌میگویندوهیچ‌طایفه‌زبان‌طایفهٔدیگر [۸]
فهم نکنند.

---

۱ ــ نج : درآن حوالی.
۲ ــ نج : آرند.
۳ ــ نج : باب هندو ؛ باب
٤ ــ چ : بپرگار قیاس کنند.
۵ یعنی اصل کتاب جامع‌التواریخ.
٦ ــ نج : صورت.
۷ ــ چ : مشتمل.
۸ ــ نج افزوده : مگر زبان خط و حساب
که همه دانند.

باب چهارم از قسم دوم از تاریخ افرنج

در ولادت مسیح علیه‌السلام و حکایت حادثهٔ او و ذکر پاپان و قیاصره که پادشاهان افرنج‌اند

درسال چهل‌وششم[1] از پادشاهی اغسطوس قیصر مسیح علیه السلام[2] ازمریم عذراء در وجود آمد در بیت‌اللحم شب سه‌شنبه بیست و پنجم کانون‌الاوّل سال سیصدونه اسکندری و از معجزهٔ او بتخانهٔ[3] بزرگ که در رومیهٔ کبری بود و تمامت[4] صورتها عالم بردیوار آن[5] نقش کرده آنرا هیکل گفتندی بیفتاد وخراب شد وهم در آن وقت چشمهٔ روغن‌زیت درمیان شهر رومیه اززمین برجوشید وروان شد و بر رودخانهٔ طیبروس که درمیان شهر رومیه میرود پیوست. وازپیش پادشاهان مجوس وفارس وخاقان ترکستان، که منجمان ایشانرا خبر کرده‌بودند که دراین‌سال کودکی زاید در بیت‌المقدس که اهل عالم مطیع و منقاد او شوند، جماعتی[6] رسولان برسیده‌بودند و کندرو مُر بجهت بخور آورده. اغسطوس کودکان بیت‌اللحم وقدس[7] میکشت بیوسف که عم‌زادهٔ مریم بود وحی آمد که مریم راباطفل او بردار و بجانب مصررو او هردو رابگریزانید و بمصر رفتند ودوسال آنجا بودند وعیسی علیه‌السلام هم درطفولیت[8] ازراه معجزه ازآب شراب ساخت واز یك خم رنگرزی انواع‌الوان بیرون آورد. و چون سال او بسی رسید یوحنا پسر زکریا

۱– نج : سوم .

۲– نج : مسیح پیغمبر .

۳– نج: خانه .

۴– تمام .

۵– نج : آنجا .

۶– ج: جماعت .

۷– نج: کودکان بیت‌المقدس .

۸– نج : عیسی ... درطبی استاد .

اورا معمودیه کرد تا ترساشد. ومعمودیهٔ نصاری چنانست که آنکس را[1] بکلیسیا برند ودر حوض آب نشانند وبآب گرم بشویند[2] ونمازی چند بکنند ودعایی چند بخوانند ومذهبش تلقین کنند وروغن بیرون بروی مالند چنانکه بر همه اعضا برسد آنگاه ترساشده باشد واگر کودکی[3] باشد اورا وکیلی بر آرند.

مسیح را علیه‌السلام در اوّل سال سی و سیم جهودان شکنجه کردند تا از دارفناء بدار بقاء[4] رحلت کرد و ازابتدای دُور آدم[5] تا بعهد مسیح علیه‌السلام پنجهزار و چهارصد ونود ونه[6] سال بوده این زمان آغاز کنم درتواریخ[7] پاپان که خلفای مسیح اند وتواریخ قیاصره مسمّی و مفصل نویسم[8] ونسب مفصل مسیح علیه‌السلام.

ذکر تواریخ قیاصره وپاپان و بعضی احوال که درزمان ایشان رفته است

تاریخ اغسطوس قیصر ـ اورا اکتفیانوس نیز گفته‌اند وپیش از ولادت مسیح علیه‌السلام چهل ودو سال پادشاهی کرده بودواو اول کسی است که اوراقیصر خواندند[9] بغایت عاقل و کافی و شجاع بود با تمام پنجاه سال پادشاهی کرد.[10]

تاریخ کریسطوس مسیح علیه‌السلام ـ عیسی را علیه‌السلام کریسطوس خواندند چون دعوت کرد جهودان او را در اول سال سی وپنجم بفرمان[11]

---

۱ ج : را که.
۲ ـ نج : در آب ... چندانکه.
۳ ـ نج شخصی کودك.
۴ ـ نج : صفی‌الله وصلوات‌الله الرحمن علیه والسلام.
۵ ـ نج : تابدور عیسی علیه من‌الصلوات اکملها ومن‌التسلیمات اشملها،
۶ ـ نج : سه.
۷ ـ نج : کنیم در تاریخ.
۸ ـ نج : بنویسم.
۹ ـ نج خوانده.
۱۰ ـ نج‌افزوده : والسلام. جدول اسامی و صور پاپان. تاریخ ؛والسلام.
۱۱ ـ نج : سال سی‌وسه‌ام اورا بزبان،

پونسیوس که در بیت‌المقدس نائب طباریوس[1] بود شکنجه کردند و از دنیا[2] رفت.

تاریخ طباریوس قیصر ـ طباریوس پسرزادهٔ اغسطوس بود و داماد او بعد ازو قیصر شد و چون بیست سال از پادشاهی او گذشته بود مسیح علیه‌السلام شکنجه خورد و بعد از آن پنج سال پادشاهی کرد وایردس نام شخصی را بشام فرستاد تا یوحنا پسر زکریا را بکشت و پونسیوس نام دیگری را بقدس تا مسیح را شکنجه کرد.

تاریخ غایوس قیصر ـ چون طباریوس خود را بکشت غایوس بر تخت قیصری نشست، چهار سال[3] و هشت ماه و ده روز[4] بواسطهٔ آنکه مردی[5] بدسیرت بود، با خواهر و دختر[6] زنا کرد، او را بکشتند.

تاریخ قلودیوس قیصر ـ بعد از آنکه غایوس کشته شد[7] او را بپادشاهی نشاندند و پانزده سال قیصری کرد. مرد فاسق و فاجر بود و بعهد او[8] سیمرغ را دیدند. و جزائر برتانیه را او فتح کرد.

تاریخ پطروس حواری ـ مهتر حواریان بود و مسیح او را خلیفهٔ خویش گردانید و بعد از آن هفت سال در انطاکیه پاپ بود بر کرسی خلافت، بعد از آن بروميهٔ کبری آمد و بیست و پنج سال و هفت ماه پاپی کرد و یکصورت آنجا کشیده تا دیگر پاپان و قیاصره بر آن قیاس باشند و این پطروس در اوائل عهد نارون قیصر بشکنجه هلاك شد.

---

١ ـ نج افزوده: قیصر.

٢ ـ نج افزوده: بدار عقبی.

٣ ـ نج چهل

٤ ـ نج: دوازده روز.

٥ ـ ج: مرد.

٦ ـ نج: دختر خود.

٧ ـ نج: ... قیصر را بکشتند.

٨ ـ نج: بعهد قلودیوس بمصر.

تاریخ نارون قیصر - بعد از قلودیوس نارون بر تخت قیصری نشست و مدت چهارده سال پادشاهی کرد و ترسایان را بکشت و جهودان بروی یاغی شدند و آتش در رومیه زد و اهل آنجا اورا بکشتند[۱].

تاریخ لنوس پاپ - از ولایت توسکانا بود و بعداز پطروس یازده‌سال و سه‌ماه و دوازده روز بر کرسی پاپی نشست و کرامات مینمود و مردم ۵ میگفتند جادویی میکند. سر او بریدند.

تاریخ گلبه قیصر - بعد از نارون قیصر[۲] این گلبه را از جزیرهٔ برتانیه بر تخت‌قیصری نشاندند و مدت یکسال پادشاهی کرد.

تاریخ اسپسیانوس[۳] قیصر - که بعداز گلبه بر تخت نشست مدت ده‌سال، ۱۰ ودرعهد اوجهودان بیت‌المقدس که در زمان نارون یاغی‌شده بودند ایل شدند و او بااتفاق پسرش طیطوس بیت‌المقدس را قتل وغارت کردند و بسیار مردم از گرسنگی بمردند‌و سی‌هزار برده ببردند.

تاریخ کلیتوس پاپ - اصل او از رومیه بود و بفرمان[۴] پطروس بیست وپنج قسیس را ترتیب[۵] کرد و بعد از لینوس او را بر کرسی پاپی ۱۵ نشاندند، یازده‌سال ویک‌ماه و یازده روز پاپی کرد، بآخر بتهمت سحر او را بکشتند.

تاریخ طیطوس قیصر. بعد از اسپسیانوس قیصر پسرش طیطوس بقیصری‌نشست ومدت‌دو سال قیصری کرد و بغایت جوانمرد بود، تمامت اموال بیت‌المقدس را برومیه آورد و ببخشید.

۱ـ اصل: بکشت. (متن‌تصحیح‌قیاسیست). ۳ ـ نج: اسفسیانوس.
۲ ـ نج: بعداز آنکه نارون قیصر را اهل رومیه بکشتند. ۴ ـ نج: بزبان.
۵ ـ کذا، ظاهرا: تربیت.

تاریخ کلمنس پاپ[١] ـ اصل او از رومیه بود و بعد از کلیتوس بپاپی نشست مدت نه‌سال ودو ماه‌ودوازده روز پیش ازجلوس او کرسی خالی بود و در دین ترسایی کتاب بسیار ساخت وپادشاه‌او را ازولایت بیرون کرد [و] بجزیرهٔ پونتس‌فرستادو آنجا کشته شد .

تاریخ‌دو میطیانس قیصر ـ برادر طیطوس بود و بعد از او قیصری کردومدت پانزده سال‌قیصری کرد وبتخانهٔ ستون[٢] در رومیه ساخت و از هرولایتی[٣] بتی بآنجا آورد وچون‌ایشانرا دشمنی[٤] ظاهر شدی‌روی آن بت بآنطرف بودی تا دفع‌او کردندی .

تاریخ انکلطوس‌پاپ[٥] ـ نه سال ودو ماه و دو روز بر کرسی پاپی نشست وبوقت جلوس اومدت هفت‌سال ازپادشاهی دومطیانس‌قیصر گذشته بود و فرمود که کشیشان‌موی‌وریش‌تراشند. اورا بتهمت سحر بکشتند.

تاریخ ناروه قیصر ـ بعد از دو مطیانس[٦] بر تخت قیصری نشست مدت یکسال و چهار ماه قیصری کرد و بازاء آن[٧] بدیها که دومطیانس کرده‌بود در حق مردم نیکوییها کرد .

تاریخ افرسطوس پاپ ـ اصل او ازرومیه بود[٨] مدت ده‌سال و سه ماه و یك‌روز بر کرسی پاپی نشست و اورانیز بسبب‌دین بشکنجه بکشتند.

تاریخ‌طریانس قیصر ـ بعد از ناروه بقیصری‌نشست،هژده سال وشش ماه قیصری کردوبابل را بگرفت وتا هندوستان برفت[٩] و ترسایان بسیار را بکشت .

---

١ ـ نچ : قیصر .
٢ ـ نچ : بیطون.
٣ نچ : ولایت .
٤ ـ چ : دشمن .
٥ ـ نچ : بعداز کلیمنس انکلیطوس .
٦ ـ نچ : انکلطوس ناروه .
٧ ـ اصل :بادای (متن تصحیح قیاسی
٨ ـ نچ : و بعد از انکلیطوس .
٩ ـ نچ : بگرفت .

تاریخ‌اسکندر پاپ - اصل او از رومیه بود، بعدازافرسطوس بپاپی نشست، مدت نه سال و پنجماه ودوروز[1] ، اورا نیز بواسطهٔ دین بشکنجه بکشتند .

تاریخ‌ادریانوس قیصر - بیست و دو سال قیصر برد و بیت‌المقدس را که خراب کرده بودند آبادان کرد و قدس را که اورشلیم گفتند الیه[2] نام نهاد و جهودان را از دخول‌آن[3] منع کرد و گروه ترسایانرا عزیز و گرامی داشت[4] .

تاریخ سکسطوس‌پاپ - اصل او ازرومیه بود و بعد ازالکسندر ده‌سال و سه ماه و بیست‌ویکروز بر کرسی نشست، آخراورا هم[5] بشکنجه بکشتند[6] .

تاریخ طلسفروس پاپ - اصل‌او از رومیه بود[7] مدت یازده‌سال و سه‌ماه ودوازده روزبپاپی نشست‌وهم[8] بسبب دین اورا بکشتند .

تاریخ انطنوس قیصر-اوراانطونیانس‌نیز گفته‌اندوداماد ادریانوس بود بیست‌ودوسال وسه‌ماه قیصری کرد ... و او ازشهر پرغامون بوده و بطلمیوس قلودی‌صاحب‌علم ریاضی در عهد او بوده‌است و در اسکندریه بودی و بجزیرهٔ صقیلیه وفات یافته است .

تاریخ اگینوس پاپ - اصلش‌از یونان بوده از اثینه که مدرسهٔ

۱ ــ نج افزوده : ودر آخر .
۲ ــ نج : اورئانید .
۳ ــ نج : در آنجا .
۴ ــ نج : عزیز میداشت .
۵ ــ نج : عاقبت الامر ... نیز .
۶ ــ نج : هلاك كردند .
۷ ــ نج افزوده : وبعداز سکسطوس بپاپی نشست .
۸ ــ کلمه از نج است .

ارسطون بوده بعدازوی[1] بر کرسی پاپی‌نشست مدت چهارسال‌وشش ماه وپنج‌روز. و پیش‌ازجلوس‌او ده روز کرسی خالی بود ، او را نیز بشکنجه هلاك کردند .

تاریخ پیوس‌پاپ ـ اصلش‌ازهرقلیه بود،بعداز آنکه ده‌روز کرسی خالی بود[2] بپاپـی‌نشست، نه‌سال وچهارماه‌و بیست ویك روز ودر عهد او فرشته‌ای ظاهرشد بر مردی ارمیه[3] نام و گفت ، چون ماه آذار بچهاردهم رسد اول یکشنبه‌عیدبزرگ کنند وفرمودکه موی گردن بتراشند .

تاریخ انیسه‌توس پاپ ـ بعد از آنکه کرسی یازده روز خالی بود انیسه‌توس بنشست وهفت سال و سه ماه وسه روز بپاپی نشست،اورا نیز بشکنجه کشتند .

تاریخ مرقوس‌قیصرواورلیوس ایشان هردو برادران بودند[4] مدّت نه‌سال بجای پدر بقیصری نشسته‌اند و در اوّل‌عهدایشان‌ملك‌ارمن بیامد وملك‌یونان خراب کردو مرقوس ایشانرا بگریزانیدتا صقالبه وولایت ترك رفت وایشان‌را قهر کرد .

تاریخ سوترپاپ ـ ازکنپانیه بود بعد از آنکه یازده روزکرسی خالی بود آنگاه سوتر نشست و هفت‌سال و سه ماه‌و سه‌روز[5] پاپ بود اورا هم بشکنجه‌بکشتند[6] .

تاریخ قوموطوس‌قیصر ـ بعدازمرقوس و برادرش[7] بقیصری نشست. مدت سیزده سال و با اهل الانیه جنگ کرد و ایشانرا مطیع گردانید

۱ ـ نج : طلسفروس .
۲ ـ نج : آنگاه پیوس .
۳ ـ نج : رامت ، ارمنه ، ارمیت .
٤ ـ نج : بشرکت همدیگر .
٥ ـ نج : بیست ویکروز .
٦ ـ نج : وهم بشکنجه هلاك شد .
٧ـ نج: بعدازمرقوس وبرادرآن‌اورلیوس...

و درجنگ صقالبه کشته شد .

تاریخ فکتور پاپ ـ اصل او از افریقیه بود بعد از شانزده روز که کرسی خالی بود او بر نشست و مدت پانزده[1] سال و سه ماه[2] پاپی کرد و فرمود تا مردم را بآب روح‌القدس ترسا کنند و بشکنجه کشته شد .

تاریخ ایلیوس قیصر وسوریانس ـ ایلیوس مدت بیست وچهار سال قیصری کرد و از آنجمله نوزده سال و چهار ماه بشرکت سوریانس[3] واصل سوریانس از مغرب بود ترسایان بسیار بکشت و در جزیرهٔ انگلیه نماند .

تاریخ زیفرنوس پاپ ـ اصل او از رومیه بود بعد از آنکه[4] دوازده روز کرسی خالی بود[5] او بر نشست[6] و مدت نه سال و شش ماه وده روز پاپ بود و او را نیز بشکنجه هلاك کردند .

تاریخ انطیانس قیصر ـ پسر سوریانس بود، بعد از پدر بقیصری نشست[7] مدت هفت سال وشش ماه پادشاهی کرد و فاسق وزانی بود وزن پدر را بخواست .

تاریخ کلسطوس پاپ ـ او نیز از رومیه بود، بعد از آنکه شش روز کرسی خالی بود اورا بپاپی نشاندند ومدت پنج سال ودو ماه وده روز پاپ بود، درعهد آن پاپ برق بیامد ودو درخت بزرگ در رومیه بسوخت .

تاریخ مکرینس[8] قیصر[9] ـ مدت یکسال ودو ماه پادشاهی کرد وبعد

۱ ـ نج : ده .
۲ ـ نج : ده ماه وده روز
۳ نج : ایشان .
٤ ـ نج : کستور .
٥ ـ نج : ماند .
٦ ـ نج : آنگاه ریفرنوس نشست .
۷ ـ نج : پدر اورا بقیصری نشاندند .
۸ ـ نج : مرطنوس .
۹ـ نج : بعداز طونیانس برطنوس را برتخت قیصری نشاندند .

ازآن با پسر بهم بدست دشمنان کشته شدند .

تاریخ اربانوس پاپ - ازرومیه بودومدت چهارده سال و یازده ماه[1] بر کرسی پاپی نشست ودرعهد اودو جوان بیامدند تادین مسیح بیاموزند فرشته‌ای بیامدو گفت نجات شما درتوحیداست یك دین و یك معمودیه .

تاریخ انطونیانس قیصر - او را[2] برتخت قیصری نشاندند و مدت چهارده سال پادشاهی کرد و مرد زانی و فاسق بود .

تاریخ السندرسورس قیصر - درآخرعهدانطونیانس این السندرسورس قیصر شدومدت سیزده سال پادشاه بودو لشکر بفارس کشید وجنگ کرد و مسخر ساخت .

تاریخ پونطانیانوس پاپ - ازرومیه بود بعد ازآن اورا[3] بر کرسی نشاندند و مدت پنج سال ودوماه پاپی کرد و در جزیرهٔ سردانیه بشکنجه کشته شدو کریاکوس رابجای او نشاندند یك سال وسه ماه وآرزو کرد که بجایی بودکه پاکان را[4] کشند بکولنیه رفت که شهریست از المانیه و جهت آنکه در رومیه نمرد اورا ازپاپان نشمردند .

تاریخ مسمیانس قیصر - بعد ازالسندر سورس او[5] بقیصری نشست مدت ده سال[6] ولایت المانیه مسخر گردانید.

تاریخ انطروس پاپ - بعد ازکریاکوس که بجای پونسیانوس پاپ نشسته این انطروس بپاپی نشست مدت ده سال[7] و یکماه ونوزده[8] روز. بشکنجه هلاك شد .

---

۱ - نج افزود : وسیزده روز . ۲ - نج : بعد ازمرجلنوس انطونیانس را .
۳ - نج : بعد از اوربانوس . ٤ - نج : ساکنان را . ٥ - نج : این مسمیانس.
٦ - نج : سیزده سال ودو . ۷ - نج : سه . ۸ - نج : پانزده.

تاریخ گردیانوس قیصر ـ شش سال قیصری کرد[1] و فارس بستد
و بارومیه آمد فیلپوس اورا و پسرش را بحیلت بکشت .

تاریخ فبیانوس پاپ . از رومیه بود و مدت شانزده سال و پانزده
ماه و یازده روز برکرسی پاپی نشست و او را بشکنجه هلاک کردند

تاریخ فلپوس قیصر ـ مدت هفت سال قیصری کرد و اول قیصری که ۵
ترسا شد او بود وخود و پسر او در رومیه بسبب دین کشته شدند و تمامت
اموال به کلیسیا[2] دادند .

تاریخ کورنلیوس پاپ ـ از رومیه بود سه سال و دو ماه و ده روز پاپی
کرد او را نیز بشکنجه بکشتند .

تاریخ دوقیوس قیصر ـ یکسال قیصر بود و ترسایانرا بسیار بکشت ۱۰

تاریخ لسیوس پاپ ـ از رومیهٔ کبری بود، سه سال و سه ماه و سه روز
پاپ بود و بشکنجه کشته شد .

تاریخ غالوس قیصر ـ مدت دو سال و سه ماه قیصری کرد.

تاریخ اولارینوس قیصر ـ دو ماه قیصری کرد و در ماه سیم کشته شد

تاریخ ولریانوس قیصر و پسرش گلیانوس ـ بمشارکت مدت پانزده ۱۵
سال قیصری کردند و از لشکر فارس شکسته شدند و پادشاه فرس پای
بر گردن او می‌نهاد و بر اسب می‌نشست .

تاریخ ایسطفنوس پاپ ـ اصلش از رومیه بود و چهار سال و دو ماه
و ده[3] روز بپاپی نشست و بسیاری از کافران ترسا کرد و دعا کرد تا
بتخانهٔ عظیم[4] بیفتاد و بدان سبب کفار بسیار بدین در آمدند و بعاقبت

۱ـ نج افزوده: و برفت. ۲ـ نج: بکلیسیا ۳ـ نج: دوازده. ٤ـ نج: کرده بود ندعا کرد که.

کشته شد .

تاریخ سکسطوس پاپ . اصلش از رومیه بود دو سال و یازده ماه و شش روز بر کرسی پاپی نشست و قیصر بزرگ را بدین ترسایی در آورد و خزانهٔ او بر فقراء نفقه کرد، عاقبت سرش بریدند .

تاریخ دیونسیوس پاپ ـ [1] بعد از آنکه یکماه کرسی خالی بود او را [2] بپاپی نشاندند مدت دو سال و سه ماه پاپی کرد و بشکنجه هلاك گردید.

تاریخ فلکس پاپ ـ اصلش از رومیه بود دو سال و دو ماه پاپی کرد و بمرد .

تاریخ قلودیوس قیصر ـ یکسال و نه ماه قیصری کرد و ولایت غوتیه را مسخر گردانید.

تاریخ او تخیانوس [3] پاپ ـ اصلش از توسکانا بود. هشت سال و دو ماه بپاپی نشست [4] و کارهای نیکو کرد و بشکنجه کشته شد .

تاریخ اورلینوس قیصر ـ مدت پنج سال و شش ماه قیصر بود و رومیه را بارو ساخت و مردم را فرمود تا گوشت خوك خوردند .

تاریخ طظتوس قیصر ـ مدت هفت ماه قیصری کرد و بغایت جواد و جوانمرد بود و درفارس [5] بمرد .

تاریخ غایوس پاپ ـ از دالمیته بود یازده سال و چهار ماه و چهار روز پاپی کرد و بشکنجه هلاك شد

تاریخ فروبوس قیصر ـ مدت سه سال و چهار ماه و چهار روز قیصر بود

---

۱ ـ نج : بعد از سکسطوس پاپ .

۲ ـ نج : آنگاه پسرش .۳ـ نج : فالکس. ٤ـ نج : پاپی کرد ۵ ـ نج : ودرین.

و نماند .

تاریخ کروس قیصر - مدت دو سال بشرکت کرینوس و نمیانوس قیصری کرد وتاختن بفارس برد و در بین‌النهرین ببرق کشته‌شد.

تاریخ فلریانس قیصر - یکسال وبیست روز قیصری کرد و بشهر طرسوس کشته شد . ۵

تاریخ دیوقلیطانس قیصر - او وپسرش مکسمیانوس مدت بیست‌سال بمشارکت قیصری کردندوازانواع ظلم‌وتعدی هیچ‌باقی‌نگذاشتند وبیست ودوهزارمرد ترسا رابکشتند وعاقبت بزهر کشته‌شد[1] .

تاریخ مردسلینوس پاپ - اصلش‌ازرومیهٔ کبری بود،مدت بیست وهفت سال و دوماه وبیست‌ویکروزبر کرسی پاپی‌نشست وبآرام قیصربتان راکندر سوخت و بعد از آن توبه‌کرد وکفارت و وصیت‌کرد که او را در گورنهند و قیصرسرش ببرید . ۱۰

تاریخ مردسلوس پاپ - اززومیه بودومدت‌شش‌سال و بیست‌و دو روز بپاپی‌نشست‌وقیصر آن وقت او را بشبانی‌فرمود ومدتی گله چرانید تا بمرد . ۱۵

تاریخ .. و گلرویس[3] قیصر - دوسال‌قیصری کرد واسپانیه[4] بگرفت ودختری برتانیه را بخواست وازوقسطنطینوس آورد .

تاریخ‌او اسبیوس‌پاپ-اصلش ازیونان بود وبعدازمردسلوس مدت یکماه‌کرسی خالی بود[5] بعد از آن او را[6] بپاپی نشاندند،مدت دوسال‌و

---

۱ ــ نچ : اورازهرداوند تابمرد ۲ ـ نچ : بآرام قیصرشان‌را . ۳ــ نچ:ولواوس وارروس ، کراوس . ٤ ــ نچ : اتالیه . ٥ ــ نچ : ماند . ٦ ـ نچ : اورسبیوس .

دو ماه و بیست روز پاپی کرد.

تاریخ قسطنطنوس قیصر ـ مدت سی سال قیصری کرد و دو ماه و یازده روز برص داشت سلفستروس پاپ اورا علاج کرد و او ترسا شد و خانه‌ها[1] در کلیسیا ساخت و خود بقسطنطنیه رفت و مملکت افرنجه را باو[2] گذاشت

تاریخ ملکیاوس پاپ ـ اصلش ازمغرب بود و بعد از اواسیوس بیست روز کرسی خالی ماند آنگاه او را بنشاندند، مدت سه سال و هشت ماه و هشت روز پاپی کرد و عیسویان را بفرمود تا یکشنبه[3] و پنج شنبه[4] روزه نگیرند، جهت آنکه بت‌پرستان آن دو روز را روزه دارند

تاریخ سلفستروس[5] پاپ ـ اصلش از رومیه بود بیست و سه سال و دو ماه و یازده روز پاپی کرد و طبیب حاذق بود قسطنطنوس را از برص خلاص داد و میان ترسایان آن جمعیت ساخت تا در شهر تکیه ششصد و هیژده مرحیسا جمع شدند و با جهودان مناظره کردند و ایشان را ملزم کردند و گاو مرده را اب و ابن و روح‌القدس در گوش گفت گاو برخاست و بدان سبب قسطنطنوس ترسا شد.

تاریخ مرقوس پاپ ـ اصلش از رومیه بود و بعد از آنکه[6] یکماه کرسی خالی بود[7] اورا بنشاندند و مدت دو سال و هشت ماه و بیست روز پاپی کرد.

تاریخ قسطنوس قیصر ـ پسر قسطنطنوس بود[8] مدّت یازده سال بر تخت قیصری کرد.

---

۱ ـ چ: خانه. ۲ ـ نچ: با سلفستروس. ۳ ـ نچ: تا یکشنبه روزه گیرند. ٤ ـ نچ: فرمود. ٥ ـ نچ: سلفسدروس. ٦ ـ نچ: سلفسدروس. ۷ ـ نچ: ماند. ۸ ـ نچ: اورا نیز قسطنطنوس گفتندی.

تاریخ جلیوس پاپ ـ اصلش از رومیه بود و یازده سال و دو ماه و هشت روز پاپی کرد و از دست قسطنطنوس زحمتها کشید و چون او نماند بیاسود.

تاریخ یولیانس قیصر ـ برادرزادهٔ قسطنطنوس قیصر بود دو سال و هشت ماه قیصری کرد و از ترسایی بت پرستی رفت و جهودان را فرمود تا بیت المقدس را عمارت کردند [۱] زلزله شد و باز خراب گشت و بر کنار دجله با لشکر فرس مصاف داد و او را در خیمه بکشتند.

تاریخ لبریوس پاپ ـ از رومیه بود و بعد از جلیوس یازده روز کرسی خالی بود آنگاه او را بنشاندند ده سال و هفت ماه [۲] پاپی کرد و قیصر او را بر اغواء میداشت و او اباء می‌نمود. او را معزول کردند و پاپ دیگر بنشاندند.

تاریخ یویانوس قیصر ـ مدت هفت سال قیصری کرد مردی بغایت نیکو سیرت بود و مردم از وجود او در آسایش بودند.

تاریخ فالکس پاپ ـ از رومیه بود، دو سال و هفت ماه و هفت روز پاپی کرد و چون مکر این قیصر با خلق میگفت قیصر فرمود تا سر او بریدند.

تاریخ والنطیانس قیصر و برادرش والنس قیصری کردند مدت دوازده سال. در دین عیسی [۳] متزلزل قدم بود و عیسویان را زحمت بسیار داد و با فرنگان جنگ کرد و سی هزار از ایشان بکشت.

تاریخ لبریوس پاپ ـ در میانهٔ عهد فالکس او را چند گاه بپاپی نشانده بودند و فالکس را معزول کرده و باز فالکس را نشاندند و چون نماند دیگر بار لبریوس را نشاندند مدت شش سال تمام.

تاریخ طاودوسوس [۴] قیصر ـ مدت شش سال و هشت ماه و نه روز قیصری کرد.

۱ ـ نج : کنند. ۲ ـ نج : روز ۳ ـ نج عیسوی. ٤ ـ نج: ناودولوس، ماودلاوس.

تاریخ والنس قیصر - مدت یازده سال قیصری کرد و در عهد او میان جهودان و گبران جنگ افتاد و مجادله بسیار کردند و او مردی پاك اندرون بود و مردم بسیار را ترسا کرد انبارها و مالها در دین عیسی نثار کرد .

تاریخ طمسوس پاپ - اصل او از اسپانیا بود مدت [1] هژده سال و دو ماه او را بپاپی نشاندند و صد و پنجاه مرحیسا را جمع کرد تا لیریوس را ۵ دعایی بد کردند [2] تا هلاك شد .

تاریخ سریجیوس [3] پاپ - از رومیه بود و مدت پانزده سال و دو ماه و یازده [4] روز بر کرسی پاپی بود و در استنبول با سیصد [5] و پنجاه مرد ترسا پارسا جمعیت ساخت و در عهد او در اماوس پسری در وجود آمد [6] که از ۱۰ بالای ناف دو تن داشت و هر تنرا دو دست با یکدیگر مختلف [7] .

تاریخ ارقادیوس قیصر - مدت سیزده سال قیصری کرد و در عهد او شخصی از جانب شمال بیرون آمد و شهر مشهور رومیه بستد و بآتش بسوخت و بقیتی که [8] بماند از برق خراب شد .

تاریخ انسطاسیوس پاپ - اصل او از رومیه بود و مدت دو سال و بیست ۱۵ و شش روز پاپی کرد و چون وفات یافت مدت یکماه کرسی خالی ماند .

تاریخ اینوسنتوس پاپ - اصل او از شهر البان بود و مدت پانزده سال و دو ماه و بیست روز پاپی کرد و ارقادیوس قیصر را نفرین کرد .

تاریخ اونوریوس قیصر - مدت پانزده سال بر تخت قیصری بود و بر عموم مردم مشفق و مهربان امراء او را بر قتل تهییج کردند ، جواب داد که اگر ۲۰ مرا دست رسد [9] مرده را زنده کنم .

۱ - کلمه از نچ است . ۲ - نچ کردو.. افرین.. ۳ - نچ : شهر بجبوش :
٤ - نچ : پانزده . ٥ - نچ : ششصد . ٦ - نچ : ودرعهد او ادمانوس دروجود آمد .
۷ - نچ : ... داشت و بیشتر احوال با همدیگر مختلف (متفق) . ۸ - نچ : و آنچه .
۹ - : نچ دادی .

تاریخ تاودوسیوس قیصر ـ مدّت بیست و هفت سال بر تخت قیصری بود در عهد او اصحاب کهف بیرون آمدند هفت کس و از جزیرهٔ کریته ابلیس بر صورت موسی پیدا شد و خلق را بقدس وعده داد[1] قیصر او را الزام کرد تا بر آب بگذرد سراپا[2] غرق شد.

۵ تاریخ زوسموس پاپ ـ اصلش از روم بود مدّت هشت[3] سال و دو ماه بر کرسی پاپی نشست و فرمود که غلام قسیس نشود[4] و بعد از آن کرسی یازده روز خالی بود.

تاریخ بنفاسیوس پاپ ـ اصلش از رومیه بود مدّت سه سال و هشت ماه و سه روز پاپ بود.

۱۰ تاریخ سلسطینوس پاپ ـ اصل او از رومیهٔ کبری بود هشت سال و یکماه و نه روز بپاپی نشست و شخصی را بجزیرهٔ ابرنیه[5] فرستاد تا مردم آنجا را ترسا کرد و در شهر افزوس جمعیت ساخت و با خصمان دین جدل کرد.

تاریخ مرقیانوس قیصر و فلنطینوس ـ ایشان بمشارکت یکدیگر هفت سال قیصری کردند.

۱۵ تاریخ سکسطوس پاپ ـ اصل از رومیه بود و مدت هشت سال و پنجده روز پاپی کرد. در رومیه کلیسیاها ساخت و عمارت خرابیها[6] کرد.

تاریخ لاونطینوس قیصر ـ مدّت شش سال قیصری کرد.

تاریخ لیو پاپ ـ اصلش از توسکانا بیست و یکسال و دو ماه پاپی کرد در عهد او چهارم جمعیت شد سیصد و پنجاه مرحیسا برابر نسطور نشستند و بحث

۲۰ کردند درین مسئله که عیسی مرکب از دو چیز است از خدایی و آدمی یعنی روح و جسم.

---

۱ ـ نج: که. ۲ـ نج: نتوانست. ۳ ـ نج: دوسال و هشت.
٤ـ نج: شود. ٥ ـ نج: برلال، برلامد. ٦ ـ نج: حوالی بسیار.

تاریخ زنون قیصر - مدّت هژده سال قیصر بود ودر عهد او سکسونیه برفتند و جزیرهٔ برتانیه بگرفتند وساکنان آنجارا بکلی بکشتند [1] و در آنجا مقام ساختند [2].

تاریخ ایلاریوس پاپ - ازجزیرهٔ سردانیه بود مدّت شش سال و پنج ماه وده روز بر کرسی پاپی نشست [3].

تاریخ سیمپلچوس پاپ - اصلش از شهر تیبود بود وپانزده سال و شش ماه وهفت روز بر کرسی پاپی نشست ودرعهد او [4] شخصی از جزیرهٔ انگلیه برخاست دعوی پیغمبری کرد وکشته شد.

تاریخ اناسطاسیوس قیصر - مدّت بیست وهفت سال پادشاهی کرد ودر کار پادشاهی رای و تدبیر نداشت [5] و درآن عاجز بود [6] ازوچیزی بدوست و [7] دشمن نرسید.

تاریخ فلکس پاپ - اصلش از رومیه ومدت هشت سال ویازده ماه ویازده روز پاپی کرد.

تاریخ گلاسیوس پاپ - اصلش از مغرب بود. هشت سال وهژده روز بر کرسی پاپی نشست ودر دور او یکی از حواریان ظاهر شده انجیلی بخط متی از جملهٔ حواریان آورد [8].

تاریخ انسطاسیوس پاپ - اصل او از رومیهٔ کبری بود مدّت یازده سال ویازده ماه و بیست وچهار روز پاپی کرد [9].

تاریخ یوسطنوس قیصر - مدّت نه سال قیصر بود ودر عهد او درانطاکیه زلزلهٔ عظیم واقع شد [10] واکثر عمارات شهر خراب گشت [11] ومردم هلاک شدند.

۱ - نج : وایشان . ۲ - نج افزوده : وزنان آنجا بکشت .
۳ - نج : متمکن یافت . ٤ - نج : قیصری .
٥ - نج : داشت . ٦ - ودرآن امورعاجز ومتحیر بود .
۷ - نج : شری بدشمن . ۸ - نج : ... بخط متی از حواریان بدید آمد
۹ - نج : ودر گذشت والسلام . ۱۰ - نج : ظاهر گشت . ۱۱ - نج : گشتند .

تاریخ سمکس پاپ-اصل او از جزیرهٔ سردانیه بود مدّت پانزده سال وهفت ماه و بیست وسه روز بر کرسی پاپی نشست و درعهد اوریدافرنس پادشاه بزرگ افرنج ترساشد.

تاریخ یوسطنیانوس قیصر- مدّت بیست وهفت سال برتخت قیصری متمکن بود ودر عهد او قحط وغلای عظیم افتاد چنانکه مردم یکدیگر را بخوردند واو مردی علم دوست بود ودرسیاست پادشاهی کتاب بسیار ساخت.

تاریخ اورمیزده پاپ -اصلش از کنپانیه بوده نه سال و هژده روز بر کرسی پاپی نشست و[1] وفات یافت.

تاریخ یوحنس پاپ-اصلش از رومیهٔ کبری بود ومدّت دوسال وچهار ماه بر کرسی پاپی نشست ودرعهد او مردم ولایت فرنگ جمله ترساشدند وملت عیسوی رونق تمام یافت.

تاریخ فلکس پاپ - اصلش از شهر شبینه بود ومدت چهار[2] سال ودو ماه وسیزده روز بکرسی[3] پاپی نشست.

تاریخ بنفاسیوس پاپ- اصلش از رومیهٔ کبری بود مدّت دوسال ودو ماه وبیست[4] وشش روز پاپی کرد[5].

تاریخ یوسطنوس قیصر - مدّت یازده سال قیصری کرد ودر عهد او از ولایت الامانیه لشکر بزرگ بولایت لنبردیه برفت واهل آنجا رابکشتند و درآنجا مقام[6] ساختند.

تاریخ یوحنس پاپ-اصلش از رومیه بود ،مدّت دوسال وچهار ماه و هفت روز بر کرسی پاپی نشست.

---

۱ - نج : شد.
۲ - نج : چهارده :
۳ - نج : بر کرسی.
٤ - نج : وچهارده ماه وهفت.
٥ - نج : بر کرسی پاپی نشست.
٦ - نج : مقیم.

تاریخ اغاپطوس پاپ - اصلش از رومیه بود، یازده سال و بیست و هشت[1] روز پاپی کرد.

تاریخ سلوریوس پاپ - اصلش از کنپانیه بود یکسال و پنج ماه و یازده روز بپاپی نشست و قیصر وقت او را بتعذیب شکنجه هلاک کرد.

تاریخ یوسطینوس قیصر - یازده سال قیصری کرد و باقباد کسری ملک فرس بکنار فرات نزدیک شهر رها مصاف داد و باز بانطاکیه رفت و فرس رها را[2] بستدند[3] و برده بسیار بردند آنکه بقیصری فرنگان سرانجام شد و بیونانیان افتاد.

تاریخ فکلیوس پاپ - اصلش از رومیه بود، هفده سال و هفت ماه و شش روز پاپی کرد. درعهد او پنجم جمعیت ترسایان بود باستنبول و مجادله با مخالفان ملت کرد.

تاریخ طباریوس قیصر - هفت سال بر تخت قیصری بود و بیشتر اموال خود بصدقه داد[4] و گفت آنچه دادم مراست و آنچه بماند دشمن را. روزی در زمین[5] تختهٔ[6] مرمر دید نقش خاج[7] بر آن، برداشت، زیر از آن یکی دیگر[8] باز یافت برداشت، سیوم را یافت[9] بکاوید گنج وافر یافت، تمام بر مردم ایثار کرد.

تاریخ بیلاگیوس پاپ - از رومیه بود و مدت چهار سال و دو ماه و بیست روز پاپی کرد.

تاریخ یوحنس پاپ اصلش از رومیه بود یازده سال و یازده ماه و بیست و چهار روز بر کرسی پاپی نشست.

---

۱ - نج : هفت. ۲ - نج : روحه را . رومیه را.
۳- اصل : بستند (متن تصحیح قیاسیست) ٤ - نج : وبیشتر اموال صدقه داد.
٥ - نج درزمین خانه خود. ٦ - نج : حقه ، تخته.
۷- اصل: نقشی حاج. (متن تصحیح قیاسیست) ۸ - نج : دیگری.
۹- نج : برداشت سیوم را یافت ، برداشت سوراخی یافت ، سوراخی دید فرمود تا بکاویدند.

تاریخ موریقیوس قیصر ـ هفت سال قیصر بود و در عهد او خرقهٔ کریسطوس یافتندی و موریقی ندایی شنید که کشته خواهد شد ترسید و توبه کرد و با انوشیروان عادل بر دررهاء مصاف داد و در سال ششم از پادشاهی او خسرو پرویز از بهرام چوبین[1] گریخته بدو التجا کرد و او امداد نمود[2] تا بهرام راهزیمت داد[3] و عاقبت کشته شد . ۵

تاریخ بنطکطوس پاپ ـ اصلش از رومیه بود، سه سال و یکماه و نوزده روز پاپی کرد و در عهد او قحط و غلا و فتنه در فرنگستان ظاهر شد .

تاریخ پیلاگیوس پاپ ـ اصلش از رومیه بود ده[4] سال و سه ماه و ده روز بپاپی نشست و در عهد او باران بی‌اندازه بارید و رودخانهٔ رومیه برابر باروی شهر بر آمد و چندان مار و حشرات و حیوانات گندیده بیاورد که از گند آن خلق بسیار بمردند و او نیز بمرد . ۱۰

تاریخ فوقا قیصر ـ مدت نه سال بر تخت قیصری بود بتخانهٔ بزرگ[5] بپاپ بخشید تا او آنرا[6] کلیسیا کرد .

تاریخ گریگوریوس پاپ ـ از رومیهٔ کبری بود سیزده سال و سه ماه و دو[7] روز بپاپی نشست و علم دوست بود کتب بسیار ساخت و معجزه‌ها نمود و اهل جزیرهٔ انکلیه را ترسا کرد و در عهد او در فرنگستان مرگ مفاجات[8] حادث شد و خاصه در رومیه خلقی بسیار بمردند . ۱۵

[9] تاریخ سبنیانوس پاپ ـ اصلش از توسکانا بود. مدّت یکسال و پنج ماه و نه روز پاپی کرد .

تاریخ هرقلیوس قیصر ـ مدت سی و یکسال بر تخت قیصری بود ۲۰

۱ـ نچ افزوده : مدد خواست و .
۲ـ نچ : اورا مدد داد ، معاونت نمود .
۳ـ نچ : کرد .
۴ـ نچ : وسه .
۵ـ نچ : ساخت و .
۶ـ نچ : اورا .
۷ـ نچ : ده .
۸ـ نچ : فرنك مرگ فجاء .

ودرنهم[1] سال پادشاهی او سال بر نهصد وسی پنج اسکندری بیت‌المقدس را بگشود بعد از آن بسه[2] سال اسکندریه بگرفت و مصر وعزم سوریه کرد و در دهم سال از قیصری او لشکر اسلام از زمین یثرب بفرمان خاتم‌النبیین محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم درحرکت آمدند وهرقلیوس درعلم نجوم مهارتی داشت وهنر، از مقتضی سیر سیارات خبر یافت[3] که بر دست شخصی سنت کرده ملك او افتد وبردست لشکرش[4] خاندان او خراب شود پیش ریدافرنس نوشت که جهودان را که اهل سنت‌اند تمامت[5] بکش یا ترسا کن او ایشان را ترسا کرد ودر بیست وهفتم سال از پادشاهی او مسلمانان انطاکیه را بگرفتند و بیت‌المقدس را خراب کردند ودر ایام شاپر[6] خاج مسیح را پادشاهان فرس[7] بغارت بردند وهرقلیوس بآذربایجان رفت وآن را از یزدجرد شهریار باز ستد و باقدس آورد وتهی پای درآنجا رفت و دروازه‌ها گشاده شد[8] و بعد از آن لشکر اسلام بر مملکت ملوك فرس استیلا یافتند وهرقلیوس درگذشت.

تاریخ بنفاسیوس پاپ ـ اصلش ازرومیهٔ کبری بود مدت نه ماه و بیست روز بپاپی نشست.

تاریخ طاوطاوس پاپ ـ سه سال و بیست روز پاپی کرد وچنان پارسا وصالح بود که برخداوند برص بوسه داد و او از آن علت خلاص یافت.

تاریخ بنفاسیوس پاپ ـ از کمپانیه بود پنج سال وسیزده روز پاپی کرد. و بپاپی نشست؟

تاریخ اونوریوس پاپ ـ اصلش از کنپانیه بود ودوازده سال ویازده ماه وهژده[9] روز بر کرسی[10] نشست ودرعهد او شخصی فارسی سحر[11] میکرد

۱ـ نج : پنجم ۲ـ نج : نه .
۳ـ نج : ودرمقتضی سیر کواکب چنان یافت . ٤ـ نج : شخص .
۵ـ نج : همه را . ٦ـ نج : سابق . ٦ نج : پادشاهی مصر .
۸ـ نج : دروازه گشادند ؛ دروازه گشاده شدند . ۹ـ نج؟ : پنجده .
۱۰ ـ نج : کرسی پاپی. ۱۱ـ اصل : سحره. (متن تصحیح قیاسیست).

آخر ترساشدو بيت‌المقدس رفت ومسلمانان او را بکشتند .

تاريخ سفرينوس پاپ — از روميه بود يکسال وچهار ماه و بيست وهشت روز پاپی کرد.

تاريخ يوحنس پاپ — از دلماتيه بود ويکسال ونه ماه و بيست وهشت روز بپاپی نشست واسير بسيار ازمسلمانان بخريد و آزاد کرد. ۵

تاريخ قسطنطينوس قيصر — مدت سی و يک سال و بيست روز قيصر بود وخيرات ومبرات[1] بسيار کرد . وعهد او عمر خطاب شام بستد و به بيت‌المقدس وآمد ومسجدی بنا کرد.

تاريخ تيوطوروس پاپ — اصلش ازروميه بود و سه سال و پنج ماه و هشت روز پاپی کرد. ۱۰

تاريخ مرطينوس پاپ — اصلش از تودرتينه بود . سه سال ودو ماه و بيست وهفت روز پاپی کرد.

تاريخ او جنيوس پاپ — اصلش از روميه بود دو سال و ٨ ماه بيست روز پاپی کرد . ۱۵

تاريخ فطليانوس پاپ — اصلش از کنپانيه بود. چهارده سال وشش ماه پاپی کرد.

تاريخ اديوطاطوس پاپ — اصلش از روميه بود. مدت چهار سال ودو ماه و يازده روز پاپی کرد.

تاريخ دومنوس پاپ — از روميه بود. چهار سال پنج ماه وشش روز پاپی کرد . ۲۰

تاريخ اگطون پاپ — اصل او ازجزيرهٔ صقليه بود دو سال وشش ماه وسه روز پاپی کرد.

---

۱ — اصل : برات .(متن تصحيح قياسيست) .

تاریخ لیو پاپ - از جزیرهٔ صقلیه بود، ده ماه و هفده روز پاپی کرد.

تاریخ بنطکطوس پاپ - از رومیه بود، یازده ماه و نه روز پاپی کرد.

تاریخ یوسطنوس قیصر - ده سال قیصری کرد، علم دوست بود و در سیاست کتب ساخت و با مسلمانان بمواضعهٔ مال وقبول جزیه صلح کرد، و لیو نام بروی بیرون آمد، ویرا از قیصری معزول کرد واو را بینی بریده بجزیره فرستاد و محبوس گردانید وخود قیصر شد.

تاریخ سر گیوس پاپ - اصل او از شهر انطاکیه بود. مدت چهارده سال و هشت ماه و بیست و سه روز پاپی کرد.

تاریخ لیو قیصر - سه سال سال قیصری کرد، بعداز آن طباریوس بیرون آمد و بینی او بقصاص بینی یوسطنوس قیصر ببرید و او را از تخت بزیر آورده خود بنشست.

تاریخ یوحنس پاپ - اصل او از روم بود مدت سه سال و دو ماه وسیزده روز پاپی کرد.

تاریخ طباریوس قیصر - هفت سال قیصر بود و در عهد او یوسطنوس درجزیره‌ای محبوس بود با اهل جزیره زبان یکی کرد که باز پادشاه شود، ایشان قصد او کردند، بگریخت و پیش تر کان رفت و خواهر امیر[1] ترك بخواست و اورا بمدد خود آورد[2] و ملك بازستد.

تاریخ یوحنس پاپ - اصل او از روم بود ودوسال و هفت ماه و هفده روز پاپی کرد.

تاریخ سیسنیوس پاپ - اصلش از رومیه بود. بیست روز پاپی کرد.

تاریخ یوسطینوس قیصر - شش سال دیگر این نوبت قیصری کرد و اهل آن جزیره را که قصد او کرده بودند[3] بکشت و کودکان را اسیر برد

۱ - نچ : امیری . ۲ - نچ : بمدد او ؛ ومدد آورد .
۳ - نچ افزوده : بیشتر .

و ایشان جمعیتی ساختندوفلپوس‌نام را برخود حاکم کردندو یوسطینوس را بگرفتند وبکشتند .

تاریخ قسطنطنوس‌پاپ- اصلش از شام بود، وهفت سال و سیزده روزپاپی کرد.

۵ تاریخ‌فلپوس قیصر- مدت‌یك سال وشش‌ماه‌قیصری کرد.

تاریخ گریگوریوس پاپ -اصل او نیز از شام بود وشانزده سال و هشت ماه و بیست روز پاپی کرد و اهل ولایت الامنیه را بیکبار ترسا گردانید.

تاریخ‌انسطاسیوس قیصر- فلپوس را گرفت وچشمهای اورا بر کند ۱۰ وخود بجای او نشست و سه سال قیصری کرد و چون بغایت ظالم بود امراء و سپاه بترسیدند و بروی پادشاه دیگر بگزیدند.

تاریخ‌تیوطوسیوس‌قیصر -انسطاسیوس‌رابگرفت‌و کشیش کردوخود بجای او بنشست وسه سال قیصری کرد ، مردی کریم وحلیم ومتواضع بود.

تاریخ لیوقیصر و پسرش قسطنتینوس- بهم مدت بیست و پنج سال ۱۵ بشرکت‌قیصری کردند ودر آن عهد مسلمانان استنبول رامحاصره کردند و قتل و غارت بتقدیم رسانیدند و از مغرب نیز لشکر آمدو ریدافرنس باایشان‌جنگها کرد ومدت ده سال‌فتنه بود .

تاریخ گریگوریوس پاپ -اصل اواز رومیه‌بود وده‌سال وهشت ماه وبیست‌و چهار روز پاپی‌کرد .

۲۰ تاریخ‌قسطنطینوس‌قیصر - بعد ازپدرمدت بیست‌وپنج‌سال باستقلال قیصری کردوپسرانش‌لیوو.. بشرکت[1] سلطان دافرنس‌شدند وبا مسلمانان جنگها کردند و خلقی بسیار کشته شدند[2].

۱ ـ نج : شریك . ۲ـ نج : و پدروپسران‌بامسلمان مغرب‌جنگها کردند.

تاريخ زكرياس پاپ ـ اصل اواز روم بود وده سال وسه ماه ويازده روز پاپی كرد .

تاريخ اسطفنوس پاپ ـ اصلش از روميه بود ، پنج سال وبيست و هشت روز پاپی كرد ودرعهد او ميان روميه ولنبرديه تعصب و خلاف افتاد ۵ وری دافرنس برفت وپادشاه لنبرديه رابكشت و آن مملكت بگرفت .

تاريخ پاولوس پاپ ـ از روميه بود ويكسال و يكماه بپاپی نشسته بود ودر حق خلق نيكويی ها ومبرات[1] كرد .

تاريخ قسطنتينوس پاپ ـ از شهر روميه بود ، يكماه بپاپی نشست مخالفان ملت بروظفر يافتند وچشمهای او را بر كندند .

۱۰ تاريخ ليو قيصر ـ پسر قسطنتينوس قيصر بود و بعد از پدر مدت پنج سال قيصری كرد و بعد از آن مادرش شريك شد .

تاريخ قسطنطينوس قيصر ومادرش ايرينه ـ پسر و مادر بهم ده[2] سال تمام قيصری كردند وبعد از آن مادر قصد قيصر پسر كرد و بحيلت چشم اورا بكند وباستقلال خود بپادشاهی نشست[3] .

۱۵ تاريخ اسطفنوس پاپ ـ از جزيرهٔ صقليه بود ، سه سال و پنج ماه و يازده روز پاپی كرد .

تاريخ ادريانوس پاپ ـ اصل او از روم بود مدت بيست و نه[4] سال و پنج ماه و هجده روز پاپی كرد . هفتم جمعيت ترسايان ساخت باستنبول وخود باسيصد پارسا بامخالفان ملت جدل كرد .[5]

---

۱ ـ اصل : برات (متن تصحيح قياسيست) .   ۲ ـ نج : ده .

۳ ـ نج : ليو بعد از پدر مدت پنج سال قيصری كرد بعد از آن مادرش بحيلت چشم پسر كور كرد وسه سال باستقلال قيصر شد بعد از آن پسرش مستولی شد و پنج سال ديگر باستقلال قيصری كرد .   ۴ ـ نج : سه .   ۵ ـ نج : كردند .

تاریخ مادر لیو قیصر — چون چشم پسر[1] بر کند بر تخت نشست مدت سه‌سال پادشاهی کرد ودر آن‌وقت هفده‌روز آفتاب تاریک شد، مردم حمل بر آن کردند که‌از تأثیر فعل بد اوست که با پسر کرد.

تاریخ لیو قیصر — بعد از مادرش دیگر بار قیصر شد ومدت پنج‌سال پادشاهی کرد.

تاریخ لیو پاپ — اصلش از رومیه بود بیست‌وپنج‌سال وشش‌ماه پاپی کرد و خصمان بر وظفر یافتند وچشمش بیرون کردند[2] وزبانش بریدند کریسطوس خود را در خواب[3] بقیصر نمود تا لشکر کشید واعدای او را قهر کرد و درعهد او مسلمانان برروم مستولی شدند.

تاریخ کرلوس قیصر — چون لیو قیصر نماند پاپ وقت کرلوس را که ربد افرنس بود بقیصری برداشت و دررومیه برتخت نشاند وسبب آنکه، بدفع پادشاه لنبردیه مدد پاپ کرده بود ومدت چهارده سال قیصری کرد و دست مسلمانان را ازفرنگستان کوتاه گردانید وتاج مسیح ازقدس بروم برد.

تاریخ لوطویقوس قیصر وپسرش لوطریس — مدت بیست وپنج سال قیصری کردند ودردورایشان وبای فاحش شد ودر اول تابستان تگرگ عظیم ببارید بغایت بزرگ.

تاریخ پسکالس پاپ — از شهر رومیه بود، هفت‌سال ودوماه پادشاهی کرد.

تاریخ اوجنیس پاپ — هم از رومیه بود. سه‌سال ودوماه پاپی کرد.

تاریخ فلنطینس پاپ — او نیز از رومیه بود، مدت چهل روز پاپی کرد.

۱ ـ نچ افزوده : خویش. ۲ ـ نچ : برآوردند. ۳ ـ نچ : بخواب.

تاریخ گریگوریوس پاپ ـ هم از رومیه بود مدت یازده[1] سال پاپی کرد.
چون میانهٔ اهل رومیه تعصب و جدل بود سلطان مصر را بمدد خواندند[2] تا رومیه
بستد و کلیسیای بزرگ را آنجا پایگاه ساخت و بعد از آن رید افرنس
ودی لنبردیه بیامدند و ایشانرا هزیمت کردند.

۵ تاریخ لوطریوس قیصر ـ چون پدرش[3] نماند او باستقلال قیصر شد و
مدت ده سال پادشاهی کرد و بعد از آن پسر خود را شریک[4] گردانید و مدت
پنج سال دیگر قیصری کرد و آنگاه ملول گشت رهبان شده درغاری
نشست و ملك بپسر باز گذاشت.

تاریخ سرگیوس پاپ ـ اصلش از رومیهٔ کبری بود مدت سه سال
۱۰ پاپی کرد.

تاریخ لیو پاپ ـ از رومیه بود. هشت سال و سه ماه و هشت روز پاپی
کرد ودر عهد او ری آنگله تواضعها نمود و بهر یك سر[4] یك درم بپاپ داد.

تاریخ بنطکطوس پاپ ـ از رومیه بود. دوسال و شش ماه پاپی کرد
وبا مردم نیکوئیهای بسیار کرد.

۱۵ تاریخ پاولوس پاپ ـ از رومیه بود. مدت دو[5] سال و دوماه پاپی کرد.

تاریخ لوطویقوس قیصر ـ چون پدرش لوطریوس رهبان شد و ملك باو
باز گذاشت او مدت نوزده[6] سال و هشت ماه و چهار روز باستقلال قیصری کرد.

تاریخ اسطفنوس پاپ ـ از رومیه بود. مدت چهار سال تمام بر
کرسی پاپی نشست.

۲۰ تاریخ نیکولاوس پاپ ـ از رومیه بود و نه سال و دوماه و بیست روز

۱ ـ نج : پانزده . ۲ ـ نج : خواند . ۳ ـ نج : پدرش این لوطویقوس .
۴ ـ نج : شریك ؛ شهر. ۵ ـ نج : ده . ۶ ـ نج : یك .

پاپی کرد ودرعهد او در شهر کلونیه وبا افتاد وهمه مردم در کلیسیاهای بزرگ رفتند وبرق مانند اژدها بر کلیسیاها افتاد وبیشتر مردم هلاک شدند.

تاریخ ادریانوس پاپ- اصلش از رومیه بود وپنج سال پاپی کرد.

تاریخ کرلوس قیصر- مدت هشت سال قیصری کرد ودرعهد او جزیرهٔ صقیلیه که مسلمانان گرفته بودند فرنگان باز گرفتند و از قبل خود پادشاهی درولایت فلندریه[1] بنشاندند وعاقبت اورا جهودی زهر داد وبکشت.

تاریخ یوحنس پاپ -ازرومیه بود. مدت دهسال ودوماه پاپی کرد و بعهد او باستنبول، هشتم جمعیت ترسایان ساختند سیصدوهشتاد وسه مرد ترساگرد شدند وباخصمان ملت مباحثه و مجادله کردند.

تاریخ کرلوس ثانی قیصر[2] - هفت سال بر تخت قیصری نشست ودرعهد او در انطاکیه قحط و غلای عظیم افتاد وریدافرنس رامدد کرد تا گبران ولایت نورویگیه راکه ولایات فرنگ[3] خرابی میکردند جواب دادوایشان جمله ترساشدند.

تاریخ مرتینوس پاپ- اصل او ازرومیه بود. مدت یکسال وپنج ماه پاپی کرد.

تاریخ اطریانیوس پاپ - اصل اونیز ازرومیه بود مدت یکسال و چهارماه پاپی کرد.

تاریخ اسطفنوس پاپ- اصلش ازرومیهٔ کبری بود، مدت شش سال وده روزپاپی کرد.

تاریخ فرموسوس پاپ - اصلش ازرومیه بود، مدت پنج سال وشش ماه پاپی کرد.

تاریخ ارنولفوس قیصر- دوازده سال قیصری کرد وعاقبت شپش در

۱ - نج : اسکندریه. ۲ - نج : این کرلوس ثانی. ۳ - نج : بفرنگستان.

وی افتاد واطباء از معالجهٔ اوعاجز آمدند وبدان‌علت بمرد .

تاریخ لوطویقوس قیصر وبرادرش برنگاریوس ـ بعداز آنکه‌شش‌ماه تنها قیصری کرده بود[1] برادرش‌برنگاریوس‌بااوشریك شدودر ولایت‌المانیه نشست واوخود در اتالیه ومدت هشت سال‌قیصری کردند .

۵ تاریخ بنفاسیوس پاپ ـ اصل او از توسکانا بود . مدت پانزده سال پاپی کرد .

تاریخ رومانوس‌پاپ ـ سه‌ماه ودوروزپاپی کرد .

تاریخ تیوطروس‌پاپ ـ بیست‌روزپاپی کرد .

تاریخ یوحنس پاپ ـ اصلش از رومیه بود.مدت دوسال وپانزده‌روز

۱۰ بر کرسی پاپی‌نشست وبا اهل شهررومیه جنگها کرد .

تاریخ لیوپاپ ـ اصلش از رومیهٔ کبری بودومدت‌چهل روزپاپی کرد .

تاریخ کرسطوفروس‌پاپ ـ بیست وهفت سال‌پاپی کرد ودرآخراو را معزول کردند ورهبان‌شدونماند .

۱۵ تاریخ‌سر گیوس‌پاپ ـ ازرومیه‌بودهفت‌سال‌وسه ماه‌وشانزده روز پاپی کرد .

تاریخ انسطاسیوس پاپ ـ ازرومیه‌بود مدت‌دوماه‌پاپی کرد .

تاریخ او گوقیصر ـ او گو بشرکت پسرش برنگریوس مدت هفت

۲۰ سال‌پادشاهی کرد و درعهد اولشکر ماجرستان باسپانیه‌آمدند وخرابیها

۱ ــ نج : بعد ازشش سال که قیصری کرد .

کردندوپادشاه بوهیمیه با اهل آنجا بیکبارگی[1] ترساشدندوبدترین دو پسر او بهترین را بکشت بعدازآنکه[2] بشرکت پسر هفت سال قیصری[3] کرده بود او گو امیری را از امراء خود قائم مقام خود گردانید و آن امیر بعداز ومدّت چهل ویکسال ودوماه قیصری کرد .

تاریخ یوحنس پاپ ـ شانزده سال ودوماه وسه روز بر کرسی پاپی متمکن بودوبا مسلمانان جنگها کردودرعهد او لشکرماجر بر رومیه آمدند وقتل وتاراج بسیار کردند .

تاریخ لیوپاپ ـ اصلش ازرومیه بود ، ششماه[4] و پنج روز[5] پاپی کرد .

تاریخ اسطفنوس پاپ ـ از رومیهٔ کبری بوددوسال ویکماه ودوازده روزپاپی کرد .

تاریخ هنریکوس قیصر ـ مدت هژده سال برتخت قیصری متمکن بود .

تاریخ یوحنس پاپ ـ ازرومیه بود چهارسال ودو ماه و پانزده روز پاپی کرد ودرعهد او درولایت جنوه چشمه‌ای پدید آمد ازآن خون صرف برزمین جوشید و درآن سال مسلمانان از مغرب بیامدند وقتل ونهب وافر کردند .

تاریخ لیوپاپ ـ از رومیه بود ، شش سال ویکماه پاپی کرد .

تاریخ اسطفنوس پاپ ـ ازالامانیه بود . سه‌سال وشش ماه و دوروز پاپی کرد .

١ ـ نج تمام .
٢ ـ نج ، هفت سال .
٣ ـ نج : پادشاهی
٤ ـ نج :سال.
٥ ـ نج :ماه .

تاریخ مرطینوس‌پاپ ـ ازرومیهٔ کبری بود . سه سال‌وشش ماه ودو روزپاپی کرد .

تاریخ برنگاریوس قیصر ـ هفت‌سال‌قیصری کرد ودرزمان اواتالیه معمور شد و اومردی بغایت عادل‌ونیکوسیرت بود .

تاریخ اغاپطوس‌پاپ ـ از رومیه‌بود . پنج سال ودو ماه وهفت‌روز بپاپی نشست .

تاریخ لوتریوس‌قیصر ـ دوسال‌قیصری کرد ودرعهداو آفتاب‌سرخ رنگ طلوع کرد . عاقبت در اتالیه [1] فتنه وآشوب ظاهر شد .

تاریخ یوحنس‌پاپ ـ ازرومیه بود، یکسال وشش‌ماه ودوروزپاپی کرد ،چون زندگانی اونه‌برطرز [2] پاپان‌بودپیش‌قیصرغمز کردندتااورا از پاپی‌معزول کرد .

تاریخ برنگاریوس قیصروپسرش [3] ـ هردو [4] بشرکت یازده ساله قیصری کردند وچون برنگاریوس بغایت ظالم بود اوطوپادشاه‌الامانیه با لشکری بیامدواورا معزول کرد وولایت لنبردیه بدوداد و باز گردانید و دیگر بار چون همان [6] ظلم میکرد اوطو باز بیامد و پاپ او را قیصر گردانید .

تاریخ بنطکطوس‌پاپ ـ مدت‌دوسال‌وپنج‌روزبپاپی‌نشست‌وزندگانی نیکو کرد.

١ ـ نج : اطلیه .
٢ ـ نج : طریق .
٣ ـ نج :افزوده : اریکوس .
٤ ـ نج : پدر وپسر .
٥ ـ نج : بمشارکت .
٦ ـ نج : همچنان.

تاریخ لیوپاپ ـ مدت یکسال وچهار ماه پاپی کرد .

تاریخ اوطو[۱] قیصر ـ مدت شش سال قیصری کرد و او اول پادشاهی از[۲] ولایت الامانیه که در ملت صلیب بود وبسیار گبران را ترسا کرد .

تاریخ یوحنس پاپ ـ ازشهر نارنیه بود هفت سال ویازده ماه وشانزده روز پاپی کرد و اهل رومیه اورا حبس کردند و آخر بیرون آوردند و بولایت کنپانیه رفت[۳] واوطو قیصر لشکر فرستاد وبکینهٔ او خلق بسیار را[۴] بکشت و اسراء برد[۵] .

تاریخ بنطکطوس پاپ ـ اصلش از رومیهٔ کبری بود، مدت یکسال و شش ماه پاپی کرد .

تاریخ طونوس پاپ ـ یکسال وشش[۶] ماه پاپی کرد .

تاریخ اوطو ثانی قیصر ـ مدت بیست ویکسال بر تخت قیصری نشست[۷] وروزگار بعدل و انصاف گذرانید .

تاریخ بنفاسیوس پاپ ـ مدت یکماه ودوازده روز[۸] پاپی کرد .[۹]

تاریخ بنطکطوس پاپ ـ اصلش [از] رومیهٔ کبری بود ، مدت نه سال وپنج[۱۰] ماه و شش[۱۱] روز پاپی کرد .

۱ ـ نچ : اوطون .
۲ ـ نچ : در ؟
۳ ـ نچ : فرستادند .
۴ ـ نچ : انبوه راه .
۵ ـ نچ : اسیر کرد .
۶ ـ نچ : سه .
۷ ـ نچ : تمکن یافت.
۸ ـ نچ : سه سال ویکماه .
۹ ـ نچ : بر کرسی پاپی نشست .
۱۰ ـ نچ : شش .
۱۱ ـ نچ : پنج .

تاریخ یوحنس پاپ - هشت‌ماه پاپ بود . اهل‌رومیه‌اورا بگرفتند ودرقلعه‌ای‌حبس کردندتابگرسنگی بمرد.

تاریخ یوحنس دویم‌پاپ - ازرومیهٔ کبری بود ، سه ماه‌پاپی کرد .

تاریخ اوطوسیم قیصر - دوازده سال قیصری کردوقیصری تا بعهد او باقوت‌ونسب بود - وبعدازآن سه‌مرحیساوسه‌امیربزرگ ویك پادشاه قیصررا [1] بحسب استعداد میگزینند تا چون بریکی متفق الکلمه شوند بپادشاهی او را اختیار کنند وبرتخت قیصری نشانند .

تاریخ گریگوریوس پاپ - اصلش ازولایت‌سکسونیه بود . دوسال‌و شش ماه‌پاپی کرد .

تاریخ سلوسطروس‌پاپ - ازافرنسه بود،چهارسال‌ویکماه‌وبیست‌روز پاپی کردوساحربودوبمدد ابلیس‌پاپ شد و گناه کبیره [2] [ازوی] دروجود آمد اورا گفتند ترابه اورشلیم [3] باید رفت وآنجا نماز کرد [4] ودر رومیه کلیسیای بزرگ‌بود اورشلیم نام‌آنجارفت ونماز گزارد [5] خدای‌تعالی‌برو خشم گرفت او بدانست و اندام خودرا پاره‌پاره ببرید حق‌تعالی برورحم آورد [6] ،توبهٔ اورا پذیرفت . [7]

تاریخ یوحنس پاپ - ازرومیه بود و پنج ماه وهشت روز پاپی

۱ - نج : ویك پادشاه ؛ ویك پادشاه مردم را .

۲ - نج : کنیزه ازوی .

۳ - نج : بیت‌المقدس .

۴ نج : کردن ؛ نیاز کردن .

۵ - نج : ودررومیه بکلیسای‌بزرگ رفت‌ونماز گزارد .

۶ - نج : آمد .

۷ - نج : اوقبول کرد .

کرد .

تاریخ سرگیوس پاپ ـ دوسال و هفت ماه و هشت روز پاپی کرد.

تاریخ انریکوس قیصر ـ هفت کس که اختیار کردن قیاصره برأی ایشان مفوض بود[1] اورا برتخت قیصری نشاندند، ده سال پادشاهی کرد و عنین بود و بکر مرد و خواهر را بپادشاه ماجرستان داد و ایشانرا ترسا کرد .

تاریخ کنراطوس قیصر ـ اورا بتخت قیصری نشاندند و یازده سال پادشاهی کرد. عظیم نیکخواه خلق بود و بررعیت مهربان وغمخوار[2] .

تاریخ بنطکطوس پاپ ـ ازولایت توسقالان بود چهارده سال پاپی کرد وچون نماند برشخصی پارسا صورت او ظاهر شد سرش مانند سر خر[3] ودم مانند خرس آن شخص حال اوپرسید گفت چنانکه در دنیا بودم مرا بدان صورت کردند .

تاریخ سلوسطروس پاپ ـ پنجاه وشش روز پاپ بود .

تاریخ گریگوریوس پاپ ـ ازرومیهٔ کبری بود مردی نیکو سیرت مدت پنج سال پاپ بود بدان رامقهورداشت وآن طائفه بقصد او برخاستند وبروظفر نیافتند وبگاه نزع وصیت کرد تا اورا بر گردون نهند وبگاو روان گردانند آنجا که گاو بایستد او را دفن کنند، بردر کلیسیا بایستاد ودرها بازشد، او را آنجا دفن کردند .

۱ ـ نج : است.
۲ ـ نج : اوراغب وحریص بردوستی وجمعیت مردم .
۳ ـ نج : خروس .

تاریخ انریکوس قیصر- پسر کنراطوس بود و گویند داماداو.مدت بیست‌وهفت[1] سال قیصر بود وبعهد اودرولایت اپولیه صورتی ازمرمریافتند کائنه سراواز مس[2] وبرآن نوشته که دراول روزاز ماه ایار که آفتاب بسرطان رسد سرمن‌زرین شود و کس معنی آن فهم نمیکردومسلمانی اسیر حاضربود وفهم آن کردوروزاول ایارچون آفتاب بنصف‌النهاررسیدآنجا که سایهٔ سرآن صورت افتاده بود بکاوید[3] گنجی یافت[4] مردم متعجب ماندند واورا[5] ازاسیری خلاص دادند .

تاریخ قلیمنس پاپ-اصلش‌ازالامانیه بود ، نه‌ماه‌پاپی کرد .

تاریخ طمسوس پاپ-یکماه پاپی کرد.

تاریخ لیوپاپ-ازالامانیه بود پنج سال ودوماه وشش‌روزپاپی کرد.

تاریخ فکتورپاپ-ازالامانیه بود ودوسال وده ماه پاپی کرد .

تاریخ اسطفنوس پاپ- ازالامانیه بود، نه‌سال پاپی کرد.

تاریخ بنطکطوس پاپ- مدت هشت ماه پاپ بود .

تاریخ نیکولاوس پاپ- اصلش ازبور گندیه بود دو سال‌وشش ماه وبیست وشش روزپاپ بود .

تاریخ‌السندرپاپ- ازشهرمیلان بود،یازده سال وشش ماه وبیست و پنج روزپاپی کرد .

تاریخ انریکوس قیصر-هفده سال برتخت قیصری متمکن بود ودر عهداوامیری درخانه نشسته بود، ناگاه موشان بروجمع میشدند واورا میخوردند وبدیگران تعرض نمیرسانیدند ودفع ایشان میسر نمی‌شد و

۱- نج : هشت.
۲- نج افزوده: ساخته .
۳- نج : بکاویدند.
۴- نج : دیدند .
۵- نج: که‌محبوس بود.

اورا بکشتی نشانده بدریا برده تا باشد که دفع شود همچنان در کشتی موش پیدا شده[1] اورا میخوردند ودر زمان او لشکری بزرگ جمع شد وبامسلمان مصاف‌داد وبیت‌المقدس‌باز گرفتند[2] ودرانطا کیه‌نیزه‌ای‌یافتند که کرسطوس رابدان‌زده‌بودندوصحت‌آن‌رابآتش‌امتحان کردند،نسوخت.

۵ تاریخ گریگوریوس‌پاپ ـ اصل‌ازتوسکانا بود ودوازده سال ویکماه وچهارروزپاپی کرد .

تاریخ فکطور پاپ ـ یکسال وسه‌ماه و هفت روز پاپی کرد .

تاریخ اوربانوس پاپ‌ـیازده سال وچهارماه پاپ بود ودرعهد او امیری[3] بالشکری‌انبوه‌بیامد نام اوبویمند وبیت‌المقدس بستد.

۱۰ تاریخ انریکوس‌قیصرـمدت پانزده[4]سال برتخت قیصری‌بود[5] .

تاریخ پسکالس پاپ‌ـ اصلش‌ازتوسکانابود. ده‌سال وپنج ماه وهفت روزپاپی کرد .

تاریخ گلاسیوس[6] پاپ ـ اصلش از کنپانیه بود، مدت یکسال‌وپنج روزپاپی کرد .

۱۵ تاریخ کلیکسطوس پاپ‌ـاصلش‌ازرومیه‌بود. پنج سال‌وده‌ماه‌وسیزده روزپاپی کرد .

تاریخ لوطریوس[7] قیصرـیازده[8]سال برتخت قیصری بود ودرعهد او

۱ـ نج : بکشتی رفتند .
۲ـ نج : بازستدند .
۳ـ نج‌افزوده: بزرگ .
۴ـ نج : یازده .
۵ـ نج : تمکن یافت .
۶ـ نج : قلاسیوس .
۷ـ نج: کنراطوس .
۸ ـ نج : پانزده .

بولایت افرنسه بی‌آبی‌چنان‌بود که [۱] رودخانها وچشمها وکاریزها بتمام [۲] خشك شده بود ویکجا [۳] زمین‌شکافته شد، آتش از آنجابیرون‌آمدو بسعی کشته نشد تابعد ازدوسال فرونشست. [٤]

تاریخ انوریوس پاپ- ازشهر بنانیه بود. پنجسال ودوماه وسه‌روز پاپی کرد.

۵

تاریخ انوسنسیوس‌پاپ- ازرومیهٔ کبری بود سیزده سال وهفت ماه وهشت روزبر کرسی پاپی نشست.

تاریخ کنراطوس [۵] قیصر- پانزده‌سال قیصری کردودرعهد او شخصی بود سلاح دار کرلوس اولین، بالای [٦] سیصدسال‌عمریافته‌درآن‌زمان نماند.

۱۰

تاریخ سلسطینوس‌پاپ- ازتوسکانا بود، پنج سال‌وسیزده‌روزپاپی کرد.

تاریخ‌لوسیوس پاپ- ازبنانیه بود، یازده‌ماه وچهارروزپاپی کرد.

تاریخ اوجنیوس [۷] پاپ- ازشهرپیزا بودوهشت سال وچهارماه وبیست روزپاپی کرد [۸].

تاریخ‌انسطاسیوس‌پاپ- ازرومیهٔ کبری‌بود یك‌سال‌وچهارماه‌وبیست وچهار روز پاپ بود [۹].

۱۵

تاریخ فردریکوس‌قیصر- مدت‌سی‌وهفت سال برتخت‌قیصری نشست

۱- نج: چنانکه.
۲- نج: بتمامت.
۳- نج: پاره.
٤- نج: هرچند سعی کردند نتوانستند کشتن بعد ازدوسال فرونشست.
۵- نج: لوطریوس.
٦- نج: کرلوس اولین بالای (زیادت).
۷- نج: روجانیوس.
۸- نج: بر کرسی پاپی تمکن‌یافت.
۹- نج: بپاپی نشست والسلام.

ودرعهد اوسلطان حلب بالشکر بسیاربیامد وشهرهاء از ترسایان بستد وقتل وغارت کرد و مسلمانان باز بیت‌المقدس را بستدند .

تاریخ اطریانوس پاپ ــ از انگلیه بود . مدت چهار سال وهشت[1] روزپاپی کرد .

تاریخ السندرپاپ ــ ازولایت توسکانا بود ویك سال وهشت[1] روزپاپی کرد ودرعهداوزلزلهٔ عظیم شد چنانکه انطاکیه وطرابلس ودمشق خراب گشت ودرجزیرهٔ صقلیه شهر کتانیه بکلی خراب شد وزیادت ازبیست هزارآدمی مردندودریای صقلیه بر گردید وپنج هزارآدمی تفرقه گشتند.

تاریخ لوسیوس پاپ ــ ازتوسکانا بود وچهارسال ودوماه وهجده روز پاپی کرد .

تاریخ اوربانوس پاپ ــ ازشهرمیلان بود یکسال و دو ماه و بیست و پنج روزبپاپی نشست ودرعهداو مسلمانان بیت‌المقدس را از نصاری باز گرفتند[2] واوربانوس[3] ازغصه[4] بمرد .

تاریخ گریگوریوس پاپ ــ اصلش ازبنونت بود یکماه وهژده روز پاپی کرد وفرمودتا لشکر جمع شود[5] و بیت‌المقدس ازمسلمان باز گیرند و در آن میانه اونماند .

تاریخ قلمنس پاپ ــ اصلش از رومیه بود ، شانزده روز پاپی کرد ونماند .

۱ــ نج: بیست .
۲ــ نج: گرفتند.
۳ــ نج : او .
۴ــ نج : آن غصه .
۵ــ نج : لشکرها جمع شوند .

تاریخ سلسطنوس پاپ ـ او نیز از رومیه بود، مدت شش سال وهشت ماه بر کرسی پاپی نشست .

تاریخ انریکوس قیصر ـ هشت[1] سال وپنج ماه قیصر بود ودر عهد او فرنگان قسطنطنیه بستدند وپادشاه آنجا را بکشتند وقتل وغارت کردند واسیر بسیار بردند[2] .

تاریخ انوسنسیوس پاپ ـ از رومیه بود. مدت هشت سال بر کرسی پاپی نشسته بود .

تاریخ اوطون قیصر ـ اصلش از سکسونیه بود چون تاج قیصری بر سر او نهادند بی‌اجازت پاپ[3] با بزرگان رومیه جنگ کرد وبولایت عپولیه رفت وستد. پاپ ازوی برنجید ونفرین کرد وبعد از آنکه چهارسال قیصری کرده بود اورا معزول گردانید .

تاریخ انوریوس[4] پاپ ـ از رومیه بود. ده سال وهشت ماه وسیزده روز پاپی کرد ودر عهد او فرنگان دمیاط باز گرفتند ومسلمانان دیگر بار بستدند وریدافرنس را بگرفتند ، او بمال خود را بازخرید .

تاریخ فردریکوس قیصر ـ سلسطینوس پاپ اورا تاج قیصری برسر نهاد ومدت سی وسه سال ودوماه وبیست وپنج روز پادشاهی کرد وآخر عاصی شد وپاپ ازو برنجید و بروی نفرین کرد[5] پسرش جهت رضاء پاپ پدررا بگرفت ودرزندان کرد تا بمرد. امیری بود تورنگیه نام اورا اختیار کردند وبقیصری نشاندند وچند گاه پادشاهی کرد ونماند[6] .

۱ـ نج : هفت .
۲ـ نج : افزوده: هم درآن عهد مغول خروج کردند .
۳ـ چ: نهاده...؛ نج : نهاده بی‌اجازت سلسطینوس . (متن تصحیح قیاسی است).
۴ـ نج : انریوس .
۵ـ نج : چون پاپ ازوی برنجید اورا معزول کرد.
۶ـ نج : ومدت سی وهشت سال ودوماه وهشت روز قیصری کرد .

تاریخ سلسطینوس پاپ اصلش ازمیلان بود وهفده روزپاپی کرد.

تاریخ کلمنس قیصر امیرهولندیه بود، اورابگزیدندوبقیصری نشاندند ودرعهد اولودویکوس که ریدافرنس بود بالشکر تمام[1] بمصر رفت وتاختن کردودمیاط بستدوبترتیب فتح مصرمشغول شد. سلطان مصر بیامد واورا بشکست واودردست امیری منفرد نام اسیرشد وخود را بمال وافر بازخرید وسلطان منفردرابفرستاد تاجزیرهٔصقلیه باز گرفت[2] وپاپ وقت ریدافرنس رافرستاد تامنفرد را کشت وصقیلیه باز گرفت.

۵

درآن ایام لشکرمغول باهجرستان وپولونیه رفتند ازراه دشت قپچاق و خلق بسیاررا بکشتند وغارت کردند ودرآن ولایت قحطی وتنگی افتاد[3] چنانکه مردم گوشت فرزندان میخوردند. خدای تعالی برایشان رحم کرد وازآسمان چیزی مانندآرد ببارید و ازآن نان پختند وغذای ایشان شد[4] ودرآن عهد کوهی شکافته شد و بموضع دیگر منتقل گشت[5] وپنج هزار[6] آدمی را در زیر گرفت وبعهد سلطان ریدافرنس[7] درطلیطله[8] جهودی باغی ساخت سنگی[9] پدیدآمد که درآن هیچ رخنه[10] نبودآن راشکافتند درمیان آن کتابی یافتند اوراق آن از چوب و بخط عبری و رومی و فرنگی نوشته وسخن آن مانند زبوربود وازجمله درآنجا نوشته یکی آنکه این

۱۰

۱۵

۱- نج : بالشکری.
۱- نج : بستد وحاکم شد ؛ وکحم شد.
۳- نج : قحطی پیدا شد.
۴- نج : وبنان بخشید وخوردند ؛ وآن رابخوردند.
۵- نج : شد.
۶- نج : قریب پنجهزار.
۷- نج : ودرعهد سلطان‌دافرنس.
۸- نج : درولایت طلیطله.
۹- نج افزوده : بزرگی.
۱۰- نج افزوده : وشکاف.

کتاب درعهد ری‌دافرنس ظاهرشود ودیگرآنکه مسیح‌پسر‌خدای ازمریم
عذراء بزاید بجهت استخلاص مردم از دوزخ وبدست بدترین خلق خدا
شکنجه خورد وجهودآن کتاب رابرمردم عرض کرد وخویشتن بااهل و
عیال ترسا شد بعدازآن لطویکوس ری دفرنس بالشکربیحد وبی‌اندازه
۵ عزم شام کرد وچون بتونس رسید اورا زبون گردانیده تامتقبل خراج
شد وازکثرت لشکر تصور کرده بود که همه ممالك اسلام را ستاند[1]
مسلمانی را[2] براندازد ناگاه بمرد[3] .مدت قیصری اوده سال ویازده[4] ماه
وهژده روزبود .

تاریخ السندرپاپ ــ ازکمپانیه بودوهفت‌سال وسه ماه وچهارروز
۱۰ پاپی کرد ودرعهد او امراءِ الامانیه دوقیصر را گزیدند یکی ازاسپانیه و
یکی ازانگله تر وپادشاهی دوقسم شد .

تاریخ اربانوس پاپ ــاز ترسین بود سه‌سال ویکماه وچهار روز
پاپی کرد .

۱۵ تاریخ قلیمنس پاپ‌ــاز ولایت پرونج بود، سه‌سال وهشت ماه‌پاپی
کرد در ابتداءِ میل‌بزن داشت،چون [زن او] بمرد او پاپ‌شدومرحیسا
گشت وبازپاپ[5] شدخویشی‌ازفردریکوس[6] بالشکربزرگ از الامانیه‌بیامد
تاقصدپاپ کند . ری کرلوس[7]او رابکشت .

تاریخ گریگوریوس پاپ‌ــاصل‌اوازلنبردیه بود . چهارده‌سال‌ودوماه

۱ــ نج : ممالك را بگیرد .
۲ــ نج : مسلمانان‌را .
۳ــ نج : ابویحیی تفسیرنکرده‌تااو بساخت.
٤ــ نج : پنج .
٥ ــ نج : در ابتداء متأهل بود و چون‌زنش نماندمرحساباشدوباز پاپ گشت .
٦ ــ نج : ازآن فردریکوس‌قیصر .
٧ ــ نج : کارولوس ؛ کورلوس .

دوه روز پاپی نشست و فرمود تا استخلاص قدس را لشکر بزرگ ترتیب کردند تا امراء معتبر در آن باشند. در اثناء آن حال پاپ نماند.

تاریخ انوسنسیوس پاپ ـ از ولایت برگندیه بود، پنج ماه و دو روز پاپی کرد.

تاریخ ادریانوس پاپ ـ از شهر جنوه بود، یکماه و نه روز پاپی کرد.

تاریخ یوحنس پاپ ـ اصلش از اسپانیه بود هشت ماه و یکروز پاپی کرد.

تاریخ نیکولاوس پاپ ـ از رومیه[1] بود و دوسال پاپی کرد و بعهد او رودخانهٔ رومیه زیادت شد چنانچه در شهر خانه[2] بخانه بکشتی تردد میکردند و ری ار گنیه را با پاپ خلاف افتاد و بر وی عاصی شد.

تاریخ ردلفس قیصر ـ هفده سال قیصری کرد و در عهد او مسلمانان عکه و طرابلس و تمامت فرضتهای شام بگرفتند و خلقی بسیار از فرنگان بکشتند و او بسبب مخالفت با ری بوهیمیه جنگ کرد و کشته شد.

تاریخ مرطینوس پاپ ـ اصل او از فرنس بود، سیزده سال پاپی کرد و در عهد او ری ار گونیه که بر پاپ عاصی شد بی اجازت پاپ در جزیرهٔ صقیلیه تاج قیصری برسر نهاد.

تاریخ انوریوس پاپ ـ از رومیه بود. مدت سه سال[3] و پنج ماه پاپی کرد.

تاریخ نیکولاوس پاپ ـ از شهر اورسین[4] بود، چهار سال و یکماه و سیزده روز پاپی کرد.

۱ ـ نچ: روم.
۲ ـ نچ: آن خانه.
۳ ـ نچ: سی.
۴ ـ [illegible]

تاريخ سلسطينوس پاپ ـ اصل او از پروجيه بود شش ماه بر كرسی پاپی نشست و باختيار خود را معزول كرد .

تاريخ اطلفس قيصر ـ مدت نه سال و ششماه بر تخت قيصری متمكن بود وقريب دويست و پنجاه هزار آدمی مسلمان را كه در شهر لوچره از آن ولايات[1] ساكن بودند بكشت بكينهٔ گرفتن شهرهای حوالی شام[2] و خراب كردن كليسياها در تبريز و ممالك ايران درعهد سلطان غازان خان.

تاريخ بنفاسيوس پاپ ـ از كنپانيه بود، نه سال تمام بر كرسی پاپی تمكن يافت ودرعهد او جزيرهٔ صقليه كه ری ار گونيه گرفته بود باز گرفتند و پسر ری ار گونيه مطيع پاپ شد .

تاريخ ادالبرطوس قيصر ـ اين زمان ادالبرطوس بر تخت قيصری متمكن است وآنچه از احوال او واقع شود همانقدر در قلم آيد كه باشد. ان شاء الله تعالی[3] .

تاريخ بنطكطوس پاپ ـ اصل او از شهر ترفيس است وقريب يكسال بود كه بر كرسی پاپی نشسته بود[4] واين زمانكه جامع اين كتاب اين حكايات نوشته است تاريخ هجريه در شهور سنهٔ خمس وسبعمائه بوده است ودر آن پاپ بنطكطوس بوده است حاكم وفرمان روا[5] والسلام.

١ ــ نج : ولايت .
٢ ــ نج : حوالی شهرها .
٣ ـ نج : ادالبرطوس ... واين زمان كه شهور سنهٔ سبع عشر وسبعمائهٔ هجريست بر تخت قيصری متمكن است ومعاصر بنطكطوس ...
٤ـ نج: واينزمان كه شهور سنه خمس وسبعمائه هجری است برقرار پاپ اوست ؛
٥ ـ نج : و اينزمان كه شهور سنه سبع عشر وسبعمائه هجريست برقرار پاپ اوست و ازمدت جلوس او سيزده سال معاصر اطلفس بود و بعد ازآن تاكنون معاصر ادالبرطوس قيصر .

فهرست نامهای کسان و جاها و جز آن

۱- دراین صفحه بغلط اطریانیوس چاپ شده است اصلاح فرمائید .

۲- دراین صفحه بغلط اورشلیم چاپ شده است اصلاح شود .

(۱) در این صفحه بغلط ارلیوس چاپ شده است اصلاح شود .

(۱) دراین صفحه بغلط دیوقلیطانس چاپ شد، است اصلاح فرمائید .

(۲) این کلمه درسطر ۱۰ اینصفحه ازچاپ ساقطشده است اضافه فرمائید.

(۱) دراین صفحه بغلط طاوطاوس چاپ شده است اصلاح شود .

(١) دراین صفحه بغلط ملکیاوس چاپ شده است اصلاح شود
(٢) دراین صفحه بغلط نمیانوس چاپ شده است .

(١) دراین صفحه بغلط رومیه چاپ شده است اصلاح شود .
(٢) این نام و شرح آن دراین صفحه از چاپ افتاده است از روی غلطنامه اصلاح فرمایند .

١١٢٩٠

خواهشمندست غلطهای زیرین را اصلاح فرمایید

صفحه	سطر	نادرست	درست
۱ پیشگفتار	۱۸	ماریتنوس اوپاونیس	مارتینوس اوپاوینسیس
٤	۲۰	نواع	و انواع
٥	۱	نچنانست	آن چنانست
٥	٥	چه آواز	چه از
۹	۱۰	یکر	دیگر
۱۳	۱۰	بپایان سطر افزوده شود: ازذوابل که جد دهم او بود والسلام.	
۱٤	۱۷	پایان	پاپان
۱۷	۱۷	اتینه	اتنیه
۱۸	۱۱	ارلیوس	اورلیوس
۱۹	۱۷	بپاید	بپامد
۲۳	۱	نمیانوس	نمریانوس
۲۳	٦	دیوقلیطانس	دیوقلطیانس
۲۳	۱۱	کندر	کندو
۲٤	٥	ملکیاوس	ملکیادس
۲٤	٥	اواسبیوس	اواسیبوس
۲٤	۱۱	تکیه	نکیه
۳۰	۱٦	بیلاکیوس	پیلاکیوس
۳۲	۱٦	طاوطاوس	طاوطاطوس
۳۳	۱٤	رومیه	هرومیه
۳۹	۱٦	اطریانیوس	اطریانوس
٤٤		بین سطر ۳ و ٤ اضافه شود: تاریخ یوحنس سوم پاپ - ازرومیه بود ده سال وهشت ماه وچهار روز پاپی کرد.	
٤٤	۱۲ و ۱۳	اورشلیم	اروشلیم
٤٥		پس ازسطر اول اضافه شود: تاریخ یوحنس پاپ-اونیز ازرومیه بود وپنج سال وچهار روز پاپی کرد.	
٤٦		بین سطر ۱٥ و ۱٦ اضافه شود: تاریخ یوحنس پاپ - ازرومیه بود و نه سال ودوازده روز پاپی کرد.	
٥۱	۲	کلمنس	کلمس.

۱۱۹۹۰